

تسریع در آزادی زندانیان
دستور پزشکیان به وزیر دادگستریمحاصره دریایی؟
ترامپ به دنبال چیست؟آزاد شد!
موتورسواری زنان قانونی شدنسبت معترضان و اصلاح طلبان
درباره درخواست سروش از خاتمی و روحانیغافلگیری
یا بحران تصمیم گیری؟پاسخ های فیض الله عرب سرخی
و غلامعلی رجایی به پرسش های سازندگی

یادداشت روز

سناریوی آمریکایی

ترامپ به دنبال چیست؟
جنگ روانی یا جنگ میدانی؟

فریدون مجلسی

تحلیلگر مسائل بین الملل



با تحرکات سنگین آمریکا در نزدیکی آب های ایران این پرسش جدی در ذهن افکار عمومی شکل گرفته که تصمیم دونالد ترامپ چیست؟ آیا این اقدامات صرفاً بخشی از یک جنگ روانی است، یا مقدمه ای برای حمله ای نظامی و گسترده، یا سناریویی شبیه به آنچه در ماجرای ربایش نیکلاس مادورو در ونزوئلا شاهد بودیم؟ در نگاه نخست، ممکن است این تحرکات پراکنده و چندلایه به نظر برسد اما با دقت بیشتر می توان دریافت که همه این اقدامات در نهایت به یک نقطه کانونی ختم می شود و آن ایران است.

ایران برای آمریکا و متحدانش اهمیتی به مراتب بیشتر از ونزوئلا دارد، هرچند ونزوئلا نیز کشوری مهم به شمار می آید. در مورد ونزوئلا، شخص مادورو و وضعیت سیاسی او نیز نقش تعیین کننده ای داشت؛ هم خود او و هم سازوکار جانشینی که با روی کار آمدن او شکل گرفت با سیاست جهانی و حتی با منافع و خواست ملت ونزوئلا همخوانی نداشت. انتخاباتی که گفته می شد باخته بود، به هم زده شد و شرایطی متفاوت رقم خورد. با این حال، مادورو فعلاً کنار گذاشته شد اما دولت ونزوئلا همچنان پابرجاست و امور کشور را اداره می کند تا در نهایت تکلیف خود را با آمریکا روشن کند؛ اینکه آیا مسیر بهبود وضعیت مردم، رفاه و خوشبختی را در پیش می گیرد یا همان چرخه بیکاری، مهاجرت و بدبختی ای را ادامه می دهد که در دوره مادورو بر این کشور تحمیل شد.

اما در مورد ایران، مسئله اساساً تفاوت ماهوی دارد. موضوع، مستقیماً به آمریکا مربوط نمی شود؛ نقش اصلی آمریکا در این معادله، حمایت از اسرائیل است. مشکل ایران با اسرائیل، ریشه در یک منازعه دارد که ۴۷ سال پیش با شعار نابودی اسرائیل آغاز شد و تاکنون ادامه یافته است. آمریکا نیز از همان ابتدا حمایت بی قید و شرط خود از اسرائیل را اعلام کرد. حتی اشغال سفارت آمریکا در تهران نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. پس از آن، اقدامات مختلفی در ایران انجام شد و حتی در سطح عملی و اجرایی، سخن از امکان پذیر شدن پروژه نابودسازی اسرائیل به میان آمد؛ تا جایی که گفته شد، مردم اسرائیل شنا یاد بگیرند تا در صورت فرار از طریق دریا، جان خود را نجات دهند. این مسائل، هرچند از نظر برخی جنبه تبلیغاتی و روانی دارد اما در سوی مقابل کاملاً جدی تلقی شده و امنیت روانی و زندگی روزمره اسرائیلی ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

از هفتم اکتبر، زمانی که جنگ با حمله به اسرائیل آغاز شد و حامیان فلسطین، یعنی حماس (نه دولت فلسطین) و پشتیبانان حماس با نوعی شادی و شکرگزاری واکنش نشان دادند، این درگیری وارد مراحل تازه ای شد که هنوز هم به پایان نرسیده است. در عمل، زندگی متعارف در اسرائیل تا حد زیادی فلج شده است. هم اسرائیل و هم حامی اصلی اش، یعنی دولت آمریکا، به دنبال آن هستند که این مسئله را یک بار برای همیشه خاتمه دهند. اینکه این قصد مشروع است یا نیست، حقوقی است یا غیرحقوقی و حق دارند یا ندارند، مسئله این یادداشت نیست. نکته نخست این است که کل این ماجرا به طور مستقیم به ایران مربوط نمی شود و نکته دوم اینکه مسئله اصلی امروز ایران بقای کشور، رفاه شهروندان، حفظ ثروت ها و سرمایه ها و جلوگیری از ویرانی ناشی از جنگ است.

ادامه در صفحه ۳

بازتنظیم روابط

احمد الشرع، رئیس جمهور سوریه به مسکو رفت و با پوتین دیدار کرد
سازندگی به این موضوع پرداخته است

ابوالفضل خدایی

گروه بین الملل



سفر رسمی احمد الشرع، رئیس جمهور سوریه، به مسکو در تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۲۶ نقطه عطفی تعیین کننده در روند بازسازی ژئوپلیتیک خاورمیانه پس از سقوط حکومت اسد در سال ۲۰۲۴ به شمار می رود. این دیدار دوم بین الشرع و ولادیمیر پوتین، فراتر از یک تشریفات دیپلماتیک ساده است؛ این یک مذاکره حساس و پرریسک است که هدف آن عبور روابط سوریه و روسیه از چارچوب سنتی «حامی-پیرو» به سمت شراکتی عمل گرایانه و مبتنی بر معامله است. درحالی که الشرع اقتدار داخلی خود را تثبیت کرده، انگیزه های سفر او در سه محور اصلی همگرا می شوند: آینده حضور نظامی روسیه در سوریه، پیگیری مسائل انتقالی مرتبط با حکومت قبلی و تقویت اقتصاد کشور از طریق همکاری های دوجانبه تازه.

ادامه در صفحه ۳



دولت

تسریع در آزادی زندانیان

پزشکیان به وزیر دادگستری برای تسریع در آزادی زندانیان مأموریت داد



گروه سیاسی: رئیس‌جمهور روز گذشته با تأکید بر ضرورت مدیریت مسئولانه تبعات حوادث اخیر، دستور صریحی به وزیر دادگستری برای تسریع در روند آزادی زندانیان صادر کرد؛ پزشکیان همچنین استانداران سراسر کشور را مکلف کرد با رویکردی میدانی و مسئولانه، کارگروه‌های تخصصی در سطح استان‌ها تشکیل دهند. به گفته رئیس‌جمهور، این کارگروه‌ها باید با حضور فعال در میان آسیب‌دیدگان و خانواده‌های آنان، از طریق دیدارهای حضوری و مستمر به بررسی دقیق، موردی و کارشناسی علل بروز آسیب‌ها بپردازند و گزارش‌های جامع و مستند خود را در اختیار دولت قرار دهند. دستوری که در کنار الزام دستگاه‌ها به گفت‌وگوی مستقیم با جامعه و افق‌افکار عمومی، نشان‌دهنده رویکرد دولت به حل مسائل اجتماعی از مسیر تعامل، شفافیت و بازنگری در نارسایی‌های داخلی است.

در جلسه دیروز هیأت دولت، مهم‌ترین موضوعات اجرایی، مدیریتی، اجتماعی و سیاست خارجی کشور در دستورکار قرار گرفت و رئیس‌جمهور با نگاهی آسیب‌شناسانه بر ضرورت مواجهه واقع‌بینانه با پیامدهای تحولات اخیر تأکید کرد. رئیس‌جمهور با اشاره به ابعاد پیچیده حوادث اخیر، تصریح کرد که اگرچه دشمنان جمهوری اسلامی ایران همواره در تلاش برای سوء استفاده از شرایط داخلی و ایجاد التهاب و بی‌ثباتی هستند اما رویکرد عقلانی و مسئولانه ایجاد می‌کند که ضعف‌ها و نارسایی‌های داخلی نیز به‌صورت شفاف شناسایی شوند. پزشکیان تأکید کرد که نمی‌توان تمام مسئولیت‌ها را صرفاً به عوامل خارجی نسبت داد و چشم بر خطاها و کاستی‌های درون‌ساختاری بست. در همین راستا، وزارتخانه‌ها موظف شدند با تشکیل کارگروه‌های تخصصی ضمن احصا و تحلیل علل وقایع، بستر گفت‌وگوی مؤثر با اقشار مختلف جامعه را فراهم کنند. برگزاری نشست‌ها و دیدارهای منظم با دانش‌آموزان، دانشجویان، هنرمندان، ورزشکاران، چهره‌های اجتماعی و سایر گروه‌های مرتبط از جمله اقداماتی است که دولت آن را لازمه افق‌افکار عمومی و پیگیری مطالبات اجتماعی می‌داند.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این جلسه، دستور رئیس‌جمهور به وزیر دادگستری بود. پزشکیان از وزیر دادگستری خواست با تعامل و گفت‌وگوی مؤثر با قوه قضائیه، پیگیری‌های لازم را برای تسریع در روند آزادی زندانیان مربوطه انجام دهد. این دستور در راستای کاهش التهابات اجتماعی، ترمیم سرمایه اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی ارزیابی می‌شود.

همچنین در این جلسه تأکید شد که در قبال هنرمندان و چهره‌های فرهنگی و اجتماعی از هرگونه برخورد سلبی پرهیز شود. رئیس‌جمهور تصریح کرد که مسائل مربوط به این گروه‌ها باید از مسیر تعامل، گفت‌وگو و سازوکارهای درون‌حاکمیتی پیگیری و حل‌وفصل شود؛ رویکردی که می‌تواند، نقش مؤثری در کاهش شکاف‌های اجتماعی و تقویت همبستگی ملی داشته باشد.

رئیس‌جمهور همچنین دستور داد، اقدام اخیر در زمینه افزایش قیمت خودرو که موافقان و مخالفانی دارد در کارگروهی ویژه بررسی و نتایج آن به دولت ارائه شود. پزشکیان در ادامه بر ضرورت شناسایی نواقص مدیریتی و تبیین شفاف مواضع و اقدامات کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی تأکید کرد و شفافیت را یکی از ارکان اصلی افق‌افکار عمومی دانست. در بخش دیگری از جلسه، موضوع یکپارچگی مدیریت گمرک و مرزها مورد بررسی تفصیلی قرار گرفت. رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران، گزارشی جامع از ابعاد این طرح، الزامات اجرایی و سازوکارهای پیاده‌سازی مدیریت یکپارچه ارائه کرد. رئیس‌جمهور نیز با اشاره به تجارب موفق بین‌المللی خواستار انجام مطالعات تطبیقی به‌ویژه با کشورهای همسایه شد.

غافلگیری یا بحران تصمیم‌گیری؟

غلامعلی رجایی و فیض‌الله عرب‌سرخی در گفت‌وگو با سازندگی به این سوال پاسخ دادند که چرا هر بار از تحولات جا می‌مانیم و غافلگیر می‌شویم؟

عاطفه شمس

گروه سیاسی



از ترور سردار قاسم سلیمانی و دیگر رهبران جریان مقاومت گرفته تا جنگ ۱۲ روزه سپس حوادث ۱۸ و ۱۹ دی ماه، کلیدواژه «غافلگیری» مدام در اظهارنظرها و تحلیل‌ها تکرار شده است. رخدادهایی که هر بار با هزینه‌های انسانی، روانی سنگین همراه بوده و این پرسش را مطرح کرده که چرا هر بار از تحولات جا می‌مانیم و همچنان کشور در برابر تهدیدها غافلگیر می‌شود؟ در شرایطی که فضای روانی جامعه همچنان تحت‌تأثیر احتمال درگیری و جنگ قرار دارد، غلامعلی رجایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و مشاور آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و فیض‌الله عرب‌سرخی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با سازندگی هر یک از زاویه‌ای متفاوت به واکاوی این پرسش پرداخته‌اند. رجایی، هشدار می‌دهد که اگر روندهای موجود اصلاح نشود باید

در انتظار غافلگیری‌های بعدی بود؛ غافلگیری‌هایی که ممکن است این بار از مسیرهای پیچیده‌تر و ابزارهای نوین‌تری مانند هوش مصنوعی و حملات سایبری رقم بخورد. عرب‌سرخی اما با رد احتمال تکرار غافلگیری می‌گوید که ما با مسئله تصمیم‌گیری مواجه هستیم نه با غافلگیری و معتقد است که سیاست‌های فعلی ما نیاز به اصلاح دارد و عدم اصلاح آنها همین روندی را پیش پای ما می‌گذارد که امروز شاهدش هستیم و هزینه‌هایش را می‌پردازیم.

ضعف در پیش‌بینی تهدیدها

غلامعلی رجایی، فعال سیاسی و مشاور آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با تأکید بر ضعف‌های ساختاری

در حوزه امنیت و اطلاعات، معتقد است آنچه در سال‌های اخیر رخ داده، نشانه‌هایی جدی از ناتوانی در پیش‌بینی تهدیدهاست. او می‌گوید: «تا پیش از جنگ ۱۲ روزه مدام می‌گفتم که یکی از نقاط قوت‌مان این است که امنیت ایران در منطقه زیان‌زد است اما آنچه اتفاق افتاد، نشان داد که ما تا ۴ روز عملاً اختیار آسمان‌مان را نداشتیم. حتی در همان ۲۰ دقیقه اول جنگ هم آسیب‌ها و صدمات جدی دیدیم. این مسئله نشان می‌دهد که نظام امنیتی و اطلاعاتی ما از پیچیدگی لازم برای پیش‌بینی و کشف تهدیدها برخوردار نبوده است.»

رجایی ادامه می‌دهد که این وضعیت در حوادث اخیر نیز تکرار شده است: «در حوادث هجدهم و نوزدهم دی ماه هم که در ادامه همان روند قبلی اتفاق افتاد، دوباره همان غافلگیری تکرار شد و نیروهای امنیتی ما ضربه خوردند. کار به جایی رسید که شهرها عملاً به میدان جنگ تبدیل شدند و تعداد زیادی از نیروهای مردمی حامی امنیت همچنین نیروهای انتظامی، امنیتی و سپاه، مجروح یا شهید شدند. تصور من این است که سیستم فعلی باید حتماً تدبیری بیندیشد؛ سیستمی که دو بار ضربه خورده و این احتمال وجود دارد که شکستی یا غافلگیری دیگری هم در راه باشد.»

او با اشاره به ماهیت تهدیدهای پیش‌رو می‌گوید: «ما نمی‌دانیم این غافلگیری بعدی ممکن است از چه طریقی باشد؛ شاید از روش‌هایی شبیه پیچرها، یا از طریق اپلیکیشن‌های داخلی که هک شوند. در این مرحله لازم است، رصد دقیق‌تری روی اپلیکیشن‌های داخلی صورت بگیرد. در دوره قبل گفته می‌شد که دوربین‌های شهرداری، چهارراه‌ها و معابر تهران هک شده بودند و اگر این امکان همچنان وجود داشته باشد، خطر پابرجاست. همان‌طور که ما به‌دنبال رفع ضعف‌های خودمان هستیم، دشمن صهیونیستی و غرب، به‌ویژه آمریکا، هم به دنبال آن هستند که حمله بعدی‌شان کم‌تقص‌تر و پربازده‌تر باشد.»

رجایی پیشنهاد می‌کند برای مواجهه با این شرایط ساختارهای نظارتی بازطراحی شوند: «پیشنهاد من این است که یک قرارگاه سریع اطلاعاتی شکل بگیرد؛ شاید دوستان تا حدی این کار را کرده باشند اما با یک فرماندهی واحد، به‌روز و چابک. به‌ویژه با توجه به اینکه تصور می‌کنم، غافلگیری‌های بعدی ممکن است از مسیر هوش مصنوعی باشد؛ یعنی استفاده از هوش مصنوعی که ما حتی تصورش را هم نمی‌کنیم. باید روی موارد نوآورانه فکر کرد؛ هم در حوزه دفاع و هم در حوزه حمله.»

رجایی همچنین به وضعیت ساختاری فرماندهی امنیت اشاره کرده و می‌گوید: «الان مثلاً ناوهای آمریکا در تیررس ما هستند؛ اینکه در صورت جنگ چگونه می‌شود به آنها آسیب زد یک بحث

است اما بحث دیگر این است که چطور از آسیب دیدن بیشتر خودمان جلوگیری کنیم. در زمان جنگ، ما قرارگاه مرکزی خاتم را داشتیم؛ الان هم مثلاً دفاع از تهران به عهده قرارگاه ثارالله است اما به‌نظر می‌رسد آن ساختاری که قبلاً ذیل خاتم تعریف می‌شد بعد از شهادت شهید مهد رشید ادغام و به ستاد کل منتقل شده است. این وضعیت نیاز به وحدت رویه و ساختار منسجم دارد.»

ضرورت وحدت امنیتی

او همچنین به چندگانگی در ساختار امنیتی اشاره کرده و می‌گوید: «در حوزه امنیت، دیگر نباید چندگانگی وجود داشته باشد. همان‌طور که در جنگ از سپاه، ارتش و بسیج نام می‌بردیم در امنیت باید همه چیز یکپارچه باشد. به نظر من، ما از این دوگانگی اداری آسیب می‌بینیم. اگر لازم است، مجلس هم باید ورود کند و یک سازمان مقتدر مرکزی ایجاد شود. در آمریکا CIA وجود دارد، در انگلیس MI۶، در اسرائیل موساد؛ حتی کشورهای اطراف ما مثل پاکستان، عراق و افغانستان هم ساختارهای



یکپارچه دارند. اما ما از این پراکندگی ضربه می‌خوریم.»

رجایی بخش مهمی از راه‌حل را در تغییر رویکرد داخلی می‌داند: «برای جلوگیری از غافلگیری باید از حساسیت‌های داخلی نسبت به دگراندیشان و منتقدان دست برداشت. بسیاری از این افراد، منتقدان داخلی هستند هرچند لحن‌شان گزنده باشد. به نظر من باید کاملاً تغییر رویکرد داد و نگاه را متوجه تهدید بیرونی کرد. من هیچ توجیهی نمی‌بینم که مثلاً آقای موسوی همچنان در حصر باشند یا آقای تاج‌زاده در زندان؛ بودن آنها چه گرهی از مشکلات کشور باز می‌کند یا آزادی‌شان چه مشکلی به مشکلات کشور اضافه می‌کند؟ به نظر می‌رسد، تغییرات سخت اما ضروری باید در این سیستم اتفاق بیفتد.»

او در ادامه پیشنهاد می‌دهد: «در آستانه ماه مبارک رمضان، چه از طریق رهبری و چه از مسیرهای دیگر، به نظر من باید زندانیان سیاسی، حتی کسانی که در حوادث اخیر هنجانی عمل کردند مورد عفو قرار بگیرند و تمرکز بر «دانه‌درشت‌ها» و شبکه‌های سازمان‌یافته‌ای باشد که هنوز ضربه نخوردند. نیروهای امنیتی باید اینها را شناسایی کنند تا در غافلگیری سوم، نتوانند مردم را بسیج و سازماندهی کنند.»

رجایی در پاسخ به این سوال که آیا باز هم احتمال غافلگیری وجود دارد یا نه، می‌گوید: «بدون تردید می‌گویم بله. ممکن است از جایی ضربه بخوریم که اصلاً فکرش را نمی‌کنیم به‌ویژه با ابزارهای هوشمندی که آنها در اختیار دارند. تصور من این است که غافلگیری سومی هم در راه باشد.»

نقش روایت و اطلاع‌رسانی

او به اهمیت نقش روایت و اطلاع‌رسانی اشاره می‌کند و می‌گوید: «جامعه هنوز دقیقاً نمی‌داند در این دو روز و چند هفته گذشته چه اتفاقی افتاده است. به نظر من باید روایت‌های مستند ارائه شود تا اگر موارد مشابهی وجود داشته، مردم بتوانند آنها را شناسایی و گزارش کنند. همان‌طور که امام می‌گفت، مردم می‌توانند یک سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی باشند. در دفعه قبل دیدید که چگونه جابه‌جایی پهبادها با گزارش‌های مردمی افشا شد.»

رجایی ادامه می‌دهد: «نابید اجازه داده شود روایت اول در اختیار رسانه‌های بیرونی قرار بگیرد؛ رسانه‌هایی که عملاً نقش اتاق جنگ را ایفا می‌کنند. لازم است یک سخنگوی اطلاعاتی قوی تعیین شود؛ نه سخنگوی دولت و نه سخنگوی نیروی انتظامی بلکه فردی که بتواند مستند و شفاف توضیح دهد که ایران در این حمله چگونه مورد تهاجم قرار گرفت و آسیب‌ها از کجا بود. مردم باید بداندند تهدیدها از دل همین جامعه می‌آیند؛ این افراد

در همین شهرها خانه اجاره کرده و زندگی می‌کنند». او تأکید می‌کند: «اگر مشخص شود، مکانی برای اقدامات خرابکارانه اجاره داده شده و گزارش نشده باید مجازات‌های سنگین در نظر گرفته شود؛ حتی در حد مصادره محل. اینها کمک می‌کند که نیروهای مخرب نتوانند به راحتی مستقر شوند.»

رجایی در ادامه بر مسئله اعتماد عمومی، روایت رسمی و نقش مردم تأکید کرده و هشدار می‌دهد: «مسئله اصلی اعتماد مردم است. الان بی‌اعتمادی گسترده‌ای وجود دارد و ما از مردم فاصله گرفته‌ایم. هرچند خیلی دیر شده اما اگر واقعیت‌ها گفته شود و رویکردها تغییر کند، آسیب‌ها کمتر می‌شود، هرچند به صفر نمی‌رسد. نمونه‌اش ماجرای ترور شهید فخری‌زاده است؛ اینکه خودرویی روزها در محل پارک بوده و کسی متوجه نشده، نشان می‌دهد شبکه امنیتی ما دچار خلأها و ضعف‌های جدی است.»

او تأکید می‌کند: «مردم باید آموزش ببینند اما متأسفانه اعتمادشان به رسانه‌های رسمی، به‌ویژه صداوسیما، تا حد زیادی از بین رفته است. این فاصله بین مردم و حاکمیت باید کم شود. باید از مدارس، دانشگاه‌ها و فضاهای آموزشی شروع کرد؛ چون بخش زیادی از افرادی که آتش بیار معرکه شده‌اند، جوانان ۱۷ تا ۲۸ ساله هستند که اغلب دانش‌آموز، دانشجو، مجرد و یا بیکار هستند. آموزش، آگاهی‌بخشی و بازسازی اعتماد در این گروه‌ها نقش کلیدی دارد.»

با مسئله تصمیم‌گیری مواجه هستیم

نه غافلگیری

در مقابل، فیض‌الله عرب‌سرخی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، اساساً با تعبیر «غافلگیری» موافق نیست و ریشه مسئله را در جای دیگری می‌بیند.

او می‌گوید: «به نظر من، غافلگیری خاصی اتفاق نیفتاده است. اگر یادتان باشد، زمانی که فرماندهان نظامی توسط اسرائیل هدف قرار گرفتند، خبرها مورد به مورد منتشر می‌شد. حتی در بعضی موارد گفته می‌شد که از قبل اطلاع داشتیم که قرار است حمله‌ای صورت بگیرد؛ بعضی‌ها می‌گفتند، می‌دانستیم امشب حمله خواهد شد. بنابراین، این اتفاقات قابل پیش‌بینی بوده و غافلگیری در کار نبوده است. حتی همین بحثی که این روزها مطرح است و گفته می‌شود ممکن است اتفاقی بیفتد، خودش نشان می‌دهد که موضوع از قبل مطرح بوده بنابراین نه ما غافلگیر می‌شویم و نه حکومت غافلگیر می‌شود.»

عرب‌سرخی می‌گوید، طرح مفهوم غافلگیری نوعی فرار از اصل مسئله است: «من معتقدم اینکه بگوییم غافلگیری صورت گرفته، نوعی پاک کردن صورت مسئله است. حکومت مطلع است که اتفاقی در حال رخ دادن است و باید تصمیم‌هایی بگیرد اما این تصمیم‌ها اتخاذ نمی‌شود.»

او با اشاره به تجربه‌های تاریخی و سیاست‌های فعلی می‌گوید: «در مورد سیاست‌های فعلی، چه در حوزه سیاست خارجی، چه در حوزه مصالح اقتصادی، چه مسائل اجتماعی و سیاست داخلی، نظرات و پیشنهادات متعددی وجود دارد. این پیشنهادها به‌طور مرتب به حکومت ارائه می‌شود اما مورد توجه قرار نمی‌گیرد. حتی در بحث جنگ ۸ ساله هم این مسئله مطرح بود که جنگ می‌توانست زودتر تمام شود. بسیاری معتقد بودند که بعد از فتح خرمشهر، امکان پایان دادن به جنگ با هزینه و خسارت بسیار کمتر وجود داشت اما آن تصمیم هم ۸ سال طول کشید.»

عرب‌سرخی در تشریح وضعیت کنونی ادامه می‌دهد: «الان هم وضعیت به همین شکل است. ما در سیاست‌های منطقه‌ای با تعاملات بیشتر، می‌توانیم مسیر متفاوتی را در سیاست خارجی در پیش بگیریم و هزینه‌های کمتری متحمل شویم اما این اتفاق نمی‌افتد. همچنین در موضوع تحریم‌ها همان‌طور که در بحث برجام تجربه شد، می‌توان با یک گفت‌وگو و مذاکره متفاوت و با نگاهی دیگر به تهدید تحریم‌ها، آنها را تعدیل، کم یا حتی قطع کرد؛ اما سیاست‌گذاران به چنین رویکردی معتقد نیستند.»

به باور عرب‌سرخی، ادامه این روند هزینه‌زاست و راه‌حل در اصلاح سیاست‌هاست: «ایین رویکرد باعث شده که ما هزینه‌های زیادی در این زمینه پرداخت کنیم. بنابراین من معتقدم سیاست‌های فعلی ما نیاز به اصلاح دارد و عدم اصلاح آنها همین روندی را پیش پای ما می‌گذارد که امروز شاهدش هستیم و هزینه‌هایش را می‌پردازیم. در نتیجه، بهتر است بگوییم ما با مسئله تصمیم‌گیری مواجه هستیم، نه غافلگیری.»

محاصره دریایی؟

ترامپ به دنبال چیست؟

گروه بین‌الملل: اظهارات تازه دونالد ترامپ بار دیگر فضای تنش آلود میان تهران و واشنگتن را در کانون توجه رسانه‌ها و محافل سیاسی قرار داده است. رئیس‌جمهور آمریکا عصر سه‌شنبه در سخنرانی خود در ایالت آیووا با لحنی تهدیدآمیز از حرکت «ناوگان زیبای دیگری» به سوی ایران سخن گفت و افزود: «خواهیم دید چه می‌شود». ترامپ در ادامه ضمن تکرار موضع همیشگی خود درباره مذاکرات، مدعی شد که ایران «باید دفعه اول به توافق می‌رسید» و اگر چنین می‌کرد «اکنون کشور داشت». این سخنان در شرایطی بیان شد که همزمان گزارش‌هایی از تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا و افزایش گمانه‌زنی‌ها درباره سناریوهای فشار حداکثری علیه ایران منتشر شده است.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده، سنتکام، پیش‌تر اعلام کرده بود که گروه ضربت ناو هواپیمابر «یواس‌اس آبراهام لینکلن» در بحبوحه تنش‌های فزاینده به منطقه اعزام شده است؛ اقدامی که از نگاه بسیاری از ناظران، بیش از آنکه صرفاً جنبه بازدارنده داشته باشد، حامل پیام سیاسی و روانی مشخصی برای تهران و بازیگران منطقه‌ای است. همزمان برخی رسانه‌های غربی و اسرائیلی از بررسی گزینه‌های تهاجمی‌تر علیه ایران خبر داده‌اند. روزنامه جروزالپست در گزارشی مدعی شد که دولت ترامپ در حال بررسی اعمال نوعی محاصره دریایی علیه ایران با هدف جلوگیری از صادرات نفت است؛ سناریویی که پیش‌تر، چند هفته قبل از بازداشت نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا علیه این کشور آمریکای لاتین به اجرا درآمده بود.

در همین چارچوب، عبدالخالق عبدالله، مشاور پیشین محمد بن زاید رئیس امارات متحده عربی، ادعا کرد که آمریکا در حال حرکت به سمت اعمال محاصره دریایی علیه ایران، مشابه آنچه علیه ونزوئلا انجام داد، است و این اقدام می‌تواند

ادامه تیتربک

بازتنظیم روابط

در صدر دستورکار، بازتنظیم حضور نظامی روسیه قرار دارد. روسیه سال‌هاست که تأسیسات خود در پایگاه دریایی طرطوس و پایگاه هوایی حمیمیم را کلیدی‌ترین دارایی راهبردی خود در مدیترانه می‌داند. هرچند الشرع به‌طور علنی بر پایبندی به معاهدات بین‌المللی پیشین تأکید کرده است، دولت او در پی مذاکره‌ای مجدد درباره «امتیازات گسترده‌ای» است که بشار اسد پیش‌تر به مسکو اعطا کرده بود. زمان‌بندی این سفر اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا همزمان با کاهش محسوس حضور امنیتی روسیه در مناطق داخلی سوریه انجام می‌شود. اندکی پیش از این دیدار، گزارش‌هایی درباره خروج تجهیزات سنگین و نیروهای روسی از فرودگاه قامشلی در شمال‌شرق کشور منتشر شد. این عقب‌نشینی نشانه تغییری است که طی آن مسکو قدرت خود را در کانون‌های ساحلی متمرکز می‌کند و الشرع حاکمیت سوریه را بر زیرساخت‌های داخلی بازپس می‌گیرد. الشرع در این دیدار با پوتین به دنبال نهایی کردن توافق نظامی جدیدی است که ضمن حفظ روسیه به‌عنوان متحد امنیتی (امری ضروری برای تجهیز مجدد ارتش سوریه که همچنان به سخت‌افزار روسی وابسته است) اطمینان دهد این حضور تحت نظارت دمشق خواهد بود و نه با خودمختاری فرامرزی.

دومین محور سفر، که ماهیتی حساس‌تر و مناقشه‌برانگیزتر دارد، وضعیت بشار اسد است. از زمان برکناری او در دسامبر ۲۰۲۴ رئیس‌جمهور سابق در تبعید روسیه به‌سر می‌برد؛ موضوعی که برای رهبری جدید دمشق همچنان «حساس و چالش‌برانگیز» است. سفر الشرع فرصتی مستقیم برای پیگیری مطالبه استرداد اسد به‌منظور محاکمه او به اتهام جنایات جنگی فراهم می‌آورد. هرچند کرم‌لین پیش‌تر به

مقدمه‌ای برای یک حرکت «بی‌سابقه» باشد. طرح چنین گمانه‌زنی‌هایی باعث شده که در داخل ایران نیز هشدارهایی درباره سناریوهای محتمل آینده مطرح شود. محمد منان رئیسی، نماینده قم در مجلس شورای اسلامی، در یادداشتی با عنوان «فروش نفت؛ یا همه با هم و یا هیچ‌کس!» با استناد به گزارشی از بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) نوشت که جزیره خارک، به‌عنوان اصلی‌ترین مبدأ صادرات نفت ایران، می‌تواند یکی از گزینه‌های حمله احتمالی آمریکا باشد. او سناریوی بدبینانه را اشغال جزیره خارک و تلاش برای مسدود کردن مسیر فروش نفت ایران دانست و تأکید کرد که کشور باید برای همه سناریوها، ازجمله بدبینانه‌ترین آنها، آمادگی داشته باشد. این نماینده مجلس در ادامه تصریح کرد که فعال‌سازی هرچه سریع‌تر مبدأ دوم صادرات نفت از طریق خط لوله گوره به جاسک، ضرورتی راهبردی است. به گفته او، هرچند با وجود ده‌ها میلیون بشکه نفت ایران روی آب در نزدیکی چین، امکان فروش نفت به این کشور برای مدتی پس از آغاز هرگونه درگیری وجود دارد اما باید با تأکید بر تسلط ایران بر تنگه هرمز، پیام روشنی به آمریکا و کشورهای منطقه مخابره شود. رئیسی هشدار داد که در صورت تحقق چنین سناریویی، پاسخ ایران «محاسبه‌ناپذیر و نامتناسب» خواهد بود و در جنگ احتمالی، زیرساخت انرژی ایران معادل کل زیرساخت انرژی منطقه در نظر گرفته می‌شود؛ به این معنا که یا همه با هم نفت خواهند فروخت یا هیچ‌کس. با وجود این فضای تهدیدآمیز، برخی رسانه‌های آمریکایی تلاش کرده‌اند از قطعیت تصمیم واشنگتن بکاهند. شبکه سی‌ان‌ان به نقل از منابع آگاه گزارش داد که ترامپ همچنان در حال بررسی گزینه‌های خود است و تاکنون نشانه‌ای از اتخاذ تصمیم نهایی درباره ایران وجود ندارد. این درحالی است که رژیم صهیونیستی نیز مواضعی دوپهلو اما هشداردهنده



داد. همزمان گزارش‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهد، کشورهای عربی منطقه در تماس مستمر با واشنگتن هستند تا از بروز یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای جلوگیری کنند.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران نیز روز چهارشنبه در حاشیه جلسه هیأت دولت به این تلاش‌ها اشاره کرد و گفت، کشورهایی به‌عنوان واسطه در حال رابزنی هستند و تهران با آنها در تماس است. او در عین حال تأکید کرد که در روزهای گذشته هیچ تماسی میان او و نماینده ویژه آمریکا برقرار نشده و ایران نیز تقاضای مذاکره‌ای مطرح نکرده است. عراقچی تصریح کرد که اگر آمریکا به‌دنبال مذاکره است این روند نمی‌تواند در فضای تهدید شکل بگیرد و مذاکره مستلزم احترام متقابل و موضع برابر است. در همین حال تلاش‌های میانجی‌گرانه با تردیدهایی جدی مواجه شده است. فؤاد حسین، وزیر امور خارجه عراق، اعلام کرد که میانجی‌گری میان ایران و آمریکا بسیار دشوار است. او گفت که ایران با گفت‌وگو برای حل اختلافات مشکلی ندارد اما آمریکا تاکنون پاسخی روشن به این رویکرد نداده است. روزنامه الشرق‌الاوسط نیز در تحلیلی نوشت که ۶ پایتخت خلیج‌فارس می‌دانند در موقعیتی نیستند که بتوانند از تهران حمایت کنند یا مسیر تحولات را تغییر دهند و موضوع فراتر از توان آنهاست درحالی که پیامدهای هرگونه جنگ برایشان بسیار خطرناک خواهد بود. این روزنامه هشدار داد که سناریوهای احتمالی در صورت بروز جنگ متعدد و پرهزینه است و حتی با حمله سریع و آسان به عراق در گذشته نیز قابل مقایسه نیست.

ادامه یادداشت روز

سناریوی آمریکایی

فرصت چندانی باقی نمانده است. یا باید در مسیر حفظ کشور و اجتناب از جنگ گام برداشت، یا وارد مسیری شد که پیامدهای آن قابل پیش‌بینی است. اجتناب از جنگ مستلزم شجاعت، ایثار و پذیرش برخی از واقعیت‌های جهانی است؛ واقعیت‌هایی که کشورهای مانند مصر، عربستان و حتی ترکیه که از ابتدا مسیر خود را جدا کرده بودند، پذیرفته‌اند. بسیاری از کشورهای عربی نیز به این نتیجه رسیده‌اند که به‌جای جنگ باید راه زندگی مسالمت‌آمیز را در پیش بگیرند و در چارچوب‌های دیپلماتیک به‌دنبال جبران حقوق مردم فلسطین باشند. نقش ایران نیز، در بهترین حالت، می‌تواند در خاگریزهای دوم و سوم تعریف شود؛ به‌عنوان حامی اخلاقی کشورهای همسایه عربی، نه بیش از آن.

در این میان، مشخص نیست مقامات ایران چه تصمیمی خواهند گرفت. آیا به سمت یک توافق سریع حرکت می‌کنند یا نه؟ راه دیگر، نتیجه‌ای جز جنگ نخواهد داشت.

جنگ، امری محال نیست. تجربه نشان داده که حتی یک جنگ کوتاه‌مدت، مانند جنگ ۱۲ روزه، می‌تواند با سرعتی هولناک و خسارتی عظیم همراه باشد؛ خسارتی انسانی و مالی که قابلیت تکرار نیز دارند. از منظر برخی از مردم ایران هر جنگی، ارزش آسیب‌ها و لطماتی که به ایران و مردم ایران وارد خواهد کرد را نخواهد داشت. زیرساخت‌های حیاتی ما، پالایشگاه‌ها، صنایع برق، فولاد، مس و آلومینیوم همگی در معرض تهدید قرار می‌گیرند. زندگی روزمره فلج می‌شود و شهرها دیگر ایمن نخواهند بود.

از این‌رو باید به یک واقعیت ساده اندیشید: جنگ پیروز ندارد. اگرچه در هر جنگی، طرفی که از امکانات مالی گسترده‌تر، پشتیبانی قوی‌تر و توان فنی و علمی بالاتری برخوردار است در نهایت دست برتر را خواهد داشت. این واقعیت تلخ اما انکارناپذیر، امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه و تصمیم‌گیری عقلانی است.

انتخاذ کرده است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در پاسخ به پرسشی درباره مشارکت احتمالی این رژیم در حمله آمریکا به ایران گفت: «رئیس‌جمهور ترامپ تصمیم‌های خودش را خواهد گرفت و ما هم تصمیم‌های خودمان را خواهیم گرفت». او در ادامه با تکرار ادعاهای همیشگی علیه ایران، مدعی شد که «محور ایران» در حال تقویت خود است و هشدار داد در صورت ارتکاب «اشتباه بزرگ» از سوی تهران و حمله به اسرائیل، پاسخ تل‌آویو بی‌سابقه خواهد بود.

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران به‌طور رسمی نسبت به تهدیدهای نظامی آمریکا واکنش نشان داده است. در نشست اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد، امیرسعید ابروانی، سفیر و نماینده دائم ایران، با انتقاد شدید از رویکرد تهاجمی واشنگتن، تأکید کرد که دونالد ترامپ بارها و به‌صورت آشکار، ایران و سایر کشورهای مستقل را به استفاده از زور و مداخله نظامی تهدید کرده است. ابروانی این رفتارها را ناقض منشور ملل متحد دانست و خواستار محکومیت قاطع آنها از سوی شورای امنیت شد.

در سطح منطقه‌ای نیز نشانه‌هایی از نگرانی عمیق نسبت به تبعات هرگونه درگیری نظامی دیده می‌شود. برخی متحدان سنتی آمریکا، ازجمله عربستان سعودی و امارات متحده عربی، اخیراً اعلام کرده‌اند که اجازه نخواهند داد از حریم هوایی آنها برای اقدام نظامی علیه ایران استفاده شود. امارات با وجود میزبانی از نیروهای نظامی آمریکا در پایگاه‌هایی در خاک خود، صراحتاً اعلام کرده که هیچ‌گونه پشتیبانی لجستیکی برای حمله به ایران ارائه نخواهد



متوازن» را پیاده کند؛ او با حفظ رابطه کاری با پوتین در تعامل با غرب و ترکیه اهرم فشار ایجاد و این پیام را منتقل می‌کند که سوریه نه دست‌نشانده یک بلوک خاص بلکه یک بازیگر مستقل است که می‌تواند در جهانی چندقطبی به‌طور مؤثر مانور دهد.

در جمع‌بندی، سفر احمد الشرع به روسیه تجسم «عمل‌گرایی حاکمیتی» است. او می‌کوشد از مزایای فناوری نظامی و حمایت اقتصادی روسیه بهره‌مند شود و همزمان امتیازات نابرابر گذشته را بازپس گیرد. برای پوتین نیز این دیدار فرصتی است تا نفوذ روسیه در شامات را حفظ کند و تضمین دهد که با وجود سقوط شریک دیرینه‌اش، مسکو همچنان یک داور ضروری در معادلات خاورمیانه باقی بماند. نتیجه این مذاکرات به احتمال بسیار زیاد چارچوب‌های حاکمیت سوریه و دامنه نفوذ روسیه در منطقه را تا پایان این دهه تعیین خواهد کرد.



سال هشتم شماره ۲۱۷۳
پنج‌شنبه ۹ بهمن ۱۴۰۴

کافه

تازه‌های ادب و هنر

جشنواره شعر

منتظران سرو زرین

اعلام نامزدهای بیستمین دوره جشنواره شعر فجر



دبیرخانه جشنواره شعر فجر، نامزدهای سرو زرین بیستمین دوره این جشنواره را در بخش بزرگسال، کودک و نوجوان و درباره شعر معرفی کرد. به گزارش روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، اسامی این نامزدها به تفکیک بخش‌ها به شرح زیر است:

نامزدهای بخش بزرگسال (شعر نو):



«عینک فوتوکروم» اثر محبوبه راد، انتشارات فصل پنجم «نگاه سربی» اثر فاطمه احمدیان، انتشارات نسل روشن «اعلام وضعیت سفید» اثر رویا شاه‌حسین‌زاده، انتشارات اسپین

نامزدهای بخش بزرگسال (شعر کلاسیک):



«تداعی» اثر زینب احمدی، انتشارات سوره مهر «خط به خط چین دامن‌ت شعر است» اثر مسلم محبی، انتشارات فصل پنجم «دف» اثر سجاد حیدری قیری، نشر نزدیک‌تر «دلگردی» اثر بهروز آوزرمان، نشر نزدیک‌تر

نامزدهای بخش بزرگسال (شعر محاوره):



«آه مستعار» اثر اسماعیل فرزانه، انتشارات فصل پنجم «نزدبان» اثر امید صباغ‌نو، نشر نزدیک‌تر «نقشه رنج» اثر محمدرضا صبوریان، نشر نزدیک‌تر داوری بخش «شعر بزرگسال» را محمدرضا ترکی، محمداکرم کاظمی، سعید بیابانکی، ابراهیم اسماعیلی اراضی، بهزاد خواجهات و محمد رمضان‌فرخانی عهده‌دار بودند.

رکود وحشتناک نشر

تأثیر حذف ارز ترجیحی بر حوزه نشر و بازار کتاب

کتاب در یک رکود وحشتناک قرار دارد، بیان کرد: «باید ببینیم این رکود حاصل کدام برآیند است. خب قیمت کتاب همین‌طور بالا می‌رود و علاوه بر ناشران، کتاب‌فروشان و موزعان نیز از این موضوع تأثیر می‌گیرند. کتاب قابلیت کشسانی افزایش قیمت کالاهای دیگر را ندارد؛ اگر ارز روغن، ۲۰ درصد افزایش پیدا می‌کند، حاصلش افزایش ۵۰ درصدی قیمت روغن می‌شود اما درباره کتاب کشتش بازار یا کشتش سبب کالای مخاطب این اجازه را به ما نمی‌دهد. چه اتفاقی می‌افتد؟ هزینه‌های تولید بالا می‌رود اما تولیدکننده نمی‌تواند متناسب با افزایش هزینه‌ها، قیمت کتاب را افزایش دهد. از سوی دیگر کتاب‌فروش نمی‌تواند قیمت کالای خود را متناسب با افزایش هزینه‌های جاری، تغییر دهد و همین‌طور ورودی مالی شما عقب می‌افتد.»

حسن‌پور با بیان این‌که وضعیت شوک‌آور افزایش قیمت کتاب حاصل از نهادهای تولید باعث کاهش فروش آن می‌شود و با اشاره به فرایند تولید کتاب که از قلم نویسنده و مترجم آغاز شده و تا چاپ و صحافی ادامه دارد می‌گوید: «افزایش قیمت و کاهش فروش بر روی همه عناصر تولید و توزیع کتاب اثر می‌گذارد و با یک تصمیم اقتصادی همه‌چیز دگرگون می‌شود، زیرا مخاطب یا مصرف‌کننده نهایی یا آن کالا را نمی‌خواهد و یا اگر بخواهد توانایی خرید آن را ندارد. زمانی که تمام ذهن و فکر مخاطب مسائل دیگر می‌شود، به کتاب فکر نمی‌کند. سیاست‌گذار باید فکر کند اگر امتیازی را حذف می‌کند، همان تأثیر منطقی اقتصادی را در تمام حوزه‌ها دارد که در یک اقتصاد سالم می‌گذارد یا نه؟»

صنعت نشر به مرور از بین می‌رود

این ناشر با بیان این‌که تصمیم کلان حذف ارز ترجیحی صرفاً و حداقل برای مورد موضوع بحث (کتاب) یک اقتصاد باثبات است نه اقتصادی با شرایط کشورمان، ادامه داد: «نمی‌توانیم قواعد اقتصاد سالم را در شرایط نامتوازن و بدون ثبات ارز کشورمان اجرا کنیم. این‌که بگوییم بر اساس اقتضانات کشور



در پی تصمیم دولت درخصوص حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی، قیمت کاغذ هم مانند دیگر کالاهایی که به آن‌ها ارز ترجیحی اختصاص یافته بود، تحت تأثیر این سیاست جدید افزایش چشم‌گیری پیدا کرده و قیمت کتاب‌های تازه هم افزایش قابل توجهی خواهد داشت. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، عصر چهارشنبه ۱۷ دی در حاشیه اختتامیه هجدهمین جایزه ادبی جلال آل‌احمد درباره تأثیر این تصمیم بر بازار کاغذ و صنعت نشر گفته بود: «آن‌چه اکنون در دستور کار ما قرار دارد و در حال طی شدن است، افزایش سرعت ثبت سفارش و ورود کاغذ به بازار است تا این کالا به‌موقع در دسترس باشد، با کمبود مواجه نشود و با قیمتی متعادل، متناسب با نرخ جهانی و قیمت ارز، عرضه شود.» اما باوجود این وعده در شرایط حاضر بازار کاغذ با کمبود قابل توجهی مواجه است به‌گونه‌ای که برخی روزنامه‌ها مجبور به کاهش صفحات خود شده‌اند و تعدادی از ناشران هم در انتشار کتاب‌های جدیدشان با مشکل تأمین کاغذ روبه‌رو هستند. اتحادیه‌های صنفی هشدار داده‌اند، در صورت ادامه روند فعلی، ممکن است کمبود موقتی در برخی گریدهای کاغذ رخ دهد، برخی واحدهای تولیدی نیز اعلام کرده‌اند به‌دلیل افزایش هزینه‌ها، مجبور به تعدیل قیمت‌های فروش خود هستند.

رکود وحشتناک بازار کتاب

هومان حسن‌پور، ناشر و رئیس پیشین اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، در گفت‌وگو با اسپینا، درباره تأثیر تکرخی شدن ارز و به تبع آن حذف ارز ترجیحی کاغذ بر نشر کتاب می‌گوید:

«اینکه نظام ارزی کشور به سمت سیاست‌گذاری آزادسازی باشد جزء سیاست‌های کلان اقتصادی بوده و حوزه‌ای و موضعی نیست، اما آثاری که در قسمت‌های مختلف اقتصادی می‌گذارد متفاوت است. از طرف دیگر رفتار، انگیزه و توان مصرف‌کننده کالا و ضرورت حفظ توان مصرف‌کننده برای کالاهای مختلف نیز مهم است و این‌که درباره کتاب، واقعاً کتاب در سبد کالای خانواده چه سهمی دارد؟» او با تأکید بر این‌که

دیدگاه: یادداشت روز

جهان اکنون در رنج است

سیاست و اعتراض در جشنواره فیلم ساندنس

افتتاحیه، مهمانی‌ها و لانزهای اسپانسر برنده همچنان فضاهایی شاد و غیرسیاسی باقی مانده بودند. ولیو یا وایلد در مراسم افتتاحیه فیلمش «دعوت»، گفت: «ما اینجا جمع شده‌ایم تا چیزی واقعاً زیبا و امیدوارکننده در روایت سینمایی را جشن بگیریم، اما جهان همین حالا در رنج و این کشور در رنج است. و این واقعاً تکان‌دهنده است». چند بازیگر دیگر نیز از همین دوگانگی سخن گفتند. ادوارد نورتن، هم‌بازی وایلد در «دعوت»، به هالیوود ریپورتر گفت: «اینجا نشست‌ام و درباره فیلم‌ها حرف می‌زنم، در حالی که یک ارتش غیرقانونی علیه شهروندان آمریکا در حال شکل‌گیری است». جنا اورنگا نیز در مراسم افتتاحیه طنز دنیای هنر «گالری‌دار» به خبرنگاران گفت: «سخت است در جایی مثل این باشی، لباس‌های شیک بپوشی و درباره سینما حرف

حال‌وهوایی دوگانه بر جشنواره قدیمی فیلم ساندنس در یوتا سایه انداخته است؛ در حالی که نمایش‌های نخست و مهمانی‌ها ادامه دارد، ستاره‌ها علیه خشونت و بی‌رحمی دولت موضع‌گیری می‌کنند. صبح شنبه، هم‌زمان با خروج حاضران از اکران‌های صبحگاهی یا شب‌زنده‌داری‌های طولانی در بارهای خیابان مین، خبرها دهان‌به‌دهان در جشنواره فیلم ساندنس پیچید. آوا دورنی، کارگردان، در پتلی درباره آزادی بیان به تماشاگران گفت: «اگر هنوز نشنیده‌اید، بدانید امروز صبح در مینه‌سوتا یک نفر دیگر توسط اداره مهاجرت و گمرک آمریکا کشته شد»، اشاره‌ای به تیراندازی همان صبح به الکس پرتی، پرستار ۳۷ ساله بخش مراقبت‌های ویژه، توسط مأموران مهاجرت در مینیاپولیس. تا بعدازظهر، بسیاری از شرکت‌کنندگان جشنواره مستقل فیلم در پارک‌سیتی یوتا، ویدئوهای مربوط به قتل پرتی، بیانیه‌های متناقض مقامات فدرال و اعتراض‌هایی را که شهر مینیاپولیس را فراگرفته بود دیده بودند؛ شهری در غرب میانه آمریکا که با استقرار ۳۰۰۰ مأمور فدرال از سوی دولت ترامپ، در چارچوب سرکوب مهاجرتی، دستخوش آشوب شده بود. برخی نیز توثیت مکسول آلخاندرو فراست، نماینده فلوریدا (نخستین نماینده آفرو) کوبایی و نخستین عضو نسل Z در کنگره را دیده بودند که فاش کرد او همان کسی بوده که شامگاه جمعه در یک مهمانی صنفی در خیابان مین، توسط مردی سفیدپوست مشت خورده؛ مردی که گفته بود دونالد ترامپ او را اخراج خواهد کرد.

خشم کاملاً محسوس بود اما واکنش‌ها (در جشنواره‌ای که به‌طور سنتی پیشرو و مترقی شناخته می‌شود و به‌خاطر فیلم‌های نوآورانه و مستندهای سیاسی‌اش شهرت دارد) نسبتاً پراکنده و نامنجم بود. در حالی که برخی بازیگران و چهره‌های صنعت سینما نشان‌هایی با شعار «اخراج ای.سی.ای.» و «انسان خوبی باش» به لباس خود زده بودند (اشاره به تیراندازی مأموران مهاجرت به رنه گود، مادر ۳۷ ساله سه فرزند، در ۷ ژانویه در مینیاپولیس)، بسیاری از مراسم‌های





منتقدی که با رویا زندگی کرد

پرویز نوری، منتقد سینما درگذشت

آن‌هم فیلم‌هایی شاد و روشن که در فضای دور و برمان نمی‌دیدیم. یادم هست که نه فقط برق نبود و آب، بلکه رادیو هم وجود نداشت. زمانی که پدرم رادیو «فادا» را به خانه آورد، به این خیال که سرگرم خواهیم شد، شادی کردیم. اما شب که می‌شد با دو دردرس‌بزرگ روبه‌رو بودیم؛ یکی وسیله روشنایی که باید چراغ زنبوری را روشن می‌کردیم و خودش مکافاتی بود. فتیله گاز غالباً به هنگام روشن شدن سیاه و خراب می‌شد و یک فتیله جدید لازم داشت. بعد هم یک مدت که کار می‌کرد، نورش کم‌کم کاهش پیدا می‌کرد تا بالاخره خاموش می‌شد. به همین خاطر هم ناچار بودیم برویم بخوابیم و دردرس دیگر موقع آب‌رسانی شبانه در محله بود که آب جوی را به انبار زیرزمین خانه می‌بردیم و آنجا می‌ماند تا کمی ته‌نشین شود، یعنی کثافت و آت و آشغال‌های داخلش تعدیل یابد. پس از آن با تلمبه‌ای که بنش حوض در حیاط کار گذاشته بودند، از آن آب استفاده می‌کردیم تا چه حد این آب تمیز و سالم بود، همین قدر بگویم که خواهرم بالاخره به بیماری حصه دچار شد.

تفریح‌مان شامل چند تا چیز بیشتر نمی‌شد. اول بادبادک هوا کردن که خودمان البته بادبادک را درست می‌کردیم و با چه مشقتی، دو، سه تا تفریح‌شنگ دیگرمان هم از این قرار بود با رفقا جمع می‌شدیم داخل خانه و غالباً در زیرزمین و با سیخ‌های کباب ادای شمشر بازی آرتیست‌های فیلم‌ها را که دیده بودیم در می‌آوردیم، معمولاً فیلم‌های ارول فلین یا استوارت گرینجر. سیخ‌ها هم آخرش دست و بال‌مان را زخم و زیلی می‌کرد.

در چنین وضعیت‌هایی زندگی بهمان خوش می‌گذشت. سنی بودیم که از تماشای یک فیلم رویایی و شیرین بیشترین لذت را می‌بردیم و در حقیقت ما را از آن فضای خاکستری و گرفته و خیابان‌های خاکی و تفریح‌های من‌درآوردی بیرون می‌آورد. در این اوضاع و احوال البته به سیاست هیچ کاری نداشتیم. این تا موقعی بود که ماجرای ۳۰ تیر و ۲۸ مرداد رخ نداده بود. در سال ۱۳۳۲ من پانزده سال داشتم و تازه شروع کرده بودم به نوشتن درباره سینما و شنیدم که هسایه‌مان پرویز دوبی به همراه بهرام ری‌پور (دوستان تازه) رفته‌اند سمت سیاست و حزب پان ایرانیست و گاهی از بین حرف‌هایشان می‌فهمیدم حزبی است موافق دکتر مصدق و جلساتی دارد و از این حرف‌ها. پدر می‌شنیدم که می‌گویند دکتر مصدق اگر باشد مملکت نابود می‌شود. بعد هم هنگامی که در آخر تیرماه آن سال، یک‌جا می‌گفتند «زنده باد مصدق» و یک‌جا «مرده باد» و سرانجام هم آن کودتای ۲۸ مرداد واقع شد. من گیج و متنگ برجا ماندم ولی من بدون آنکه طرفدار کسی باشم، به دکتر مصدق توجه بیشتری داشتم. از مجله «سپید و سیاه» هم که اولین شماره‌اش روی جلد تصویر نقاشی سیاه و سفید زیبایی از دکتر مصدق گذاشته بود، خوشم آمد و زود آن را خریدم. بگذریم در زندگی اتفاق‌هایی رخ داده که مانند نوعی خواب و خیال ذهن آدم را رها نمی‌کند و هیچ‌وقت هم از یاد نمی‌رود. شاید ایسن قصه‌هایی که خواهید خواند بهترین نباشد (یا شیرین‌ترین و تلخ‌ترین) اما قصه‌هایی واقعی از آن روزگاران است و به باورم تکمیل‌کننده خاطرات بهترین سال‌های زندگی من.

روز چهارشنبه ۸ بهمن‌ماه، سینمای ایران یکی از منتقدان قدیمی‌اش را در سن ۸۷ سالگی از دست داد. پرویز نوری، متولد ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۷، نویسنده، منتقد، مترجم و کارگردان بود که به‌عنوان یک منتقد در اکثر روزنامه‌ها و نشریات اصلی ایران قلم زد. به‌عنوان کارگردان، او از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۹ و طی ۹ سال، هفت فیلم ساخت اما بعد از «طلوع انفجار»، دیگر هیچ فیلمی سینمایی را کارگردانی نکرد. نوری در سال ۱۳۸۷ در اپیزود اول فیلم «طهران، تهران»، به کارگردانی داریوش مهرجویی ایفای نقش کرد. به بهانه درگذشت این منتقد، نویسنده و کارگردان قدیمی، بخش‌هایی از کتاب زندگی‌نامه‌اش به اسم «آن‌سوی خاطرات» را در متن زیر گرد آورده‌ام:

اول از حال و هوای آن زمان‌ها بگویم و از موقعیت‌هایی که پیش آمد و اتفاقاتی خوش و ناخوش که هنوز و همچنان در ذهنم مانده است. مهم‌ترینش البته اوضاع خانوادگی‌مان بود و روابط با خویشان و دوستان و من همیشه خودم را از همان بچگی‌ها از همه جدا می‌کردم. میل داشتم که تنها باشم و کمتر با دیگران (حتی فامیل) دهم‌خور بشوم. یکی از دلایلی این بود که به خیالم هیچ‌کس مثل من نمی‌فهمد، نه اینکه خودم را آن بالاها می‌دیدم، نه اینطور نبود. خیال می‌کردم اصلاً کسی نیست که به آنچه من دوست داشتم، فکر کند. به خیال خودم من بودم که در آن سن و سال سینما را می‌فهمیدم، من بودم که فیلم را با وجود احساس می‌کردم و از همان موقع‌ها می‌خواستم کسی باشم، می‌خواستم اسم در کنم. شاید علاقه به نوشتن و اسمم بالای مطلب هم از همین‌جا آمد و بعدش هم تلاش بر اینکه سردیر مجله‌ای شوم.

محلّه ما تا حدودی میانه پایین و بالای شهر قرار داشت. الان که یادم می‌افتد جزو طبقه متوسط بودیم. خانه‌مان درست مقابل سهراب دربند واقع شده بود که یک سرش می‌خورد به خیابان زرین‌نعل و سر دیگرش به دروازه شمیران. در مقابل هم به خیابان فخرآباد و آب‌سردار. ایستگاه اتوبوس خط ۸ بنش پیچ فخرآباد بود و یادم می‌آید یک روز که شب قبلش برف مفصلی باریده بود و صبح آفتابی درخشان، با پرویز جان دوبای رفتم سوار اتوبوس شدیم به قصد پرسه‌زنی در خیابان‌های بالای شهر و حالا که یاد فیلم زیبای وینسنت مینه‌لی «در یک روز روشن همه‌چیز را خواهی دید» ما هم در آن روز برفی اثری همه‌چیز را دیدیم، همه زیبایی‌ها را.

خانواده ما نسبتاً جمع‌وجور بود. من و خواهر بزرگ‌تر و برادر کوچک‌ترم همراه با ننه‌ام که بهش تنو می‌گفتم و اغلب یک نوکر یا کلفت، پدرمان مردی آرام و موقر و بی‌آزار بود. سرش به کار خودش بود و هیچ‌وقت هم ما را کتک نمی‌زد و چنانچه کار ناشایستی از دید او، انجام می‌دادیم، نگاه غریبی به ما می‌انداخت و ما غلاف می‌کردیم. اما در عوض مادرم پدردار بود. حسایی تنبیه‌مان می‌کرد و اگر کار بدی ازمان سر می‌زد، کتک می‌زد. تلافی اذیت و آزار ما را روی خواهرم درمی‌آورد. همین که او را می‌زد، ما ساکت می‌شدیم. زندگی دوران کودکی در فضایی خاکستری و در کوچه و خیابان‌های خاکی و پر گرد و خاک می‌گذشت. هیچ نوع سرگرمی نداشتیم و تنها دلخوشی‌مان سینما بود،



می‌کنیم. ناشران کار دیگری نمی‌توانند انجام دهند. به طور مثال من کاغذی برای کتابی خریداری کرده بودم، خب تولید این کتاب فرایند داشت و باید هم تعداد چاپ می‌شد، از زمانی که کاغذ را گرفتم تا زمانی که از صحافی بیرون آمد، قیمت کاغذ ۲ برابر شد. یعنی اگر من کتاب را چاپ نمی‌کردم و فقط کاغذ را نگه می‌داشتم و ۲ هفته صبر می‌کردم، یک سود تضمین‌شده داشتم. چه اتفاقی می‌افتد؟ من اگر می‌توانستم ۱۸۰۰ نسخه چاپ کنم الان می‌توانم ۹۰۰ تا چاپ کنم!»

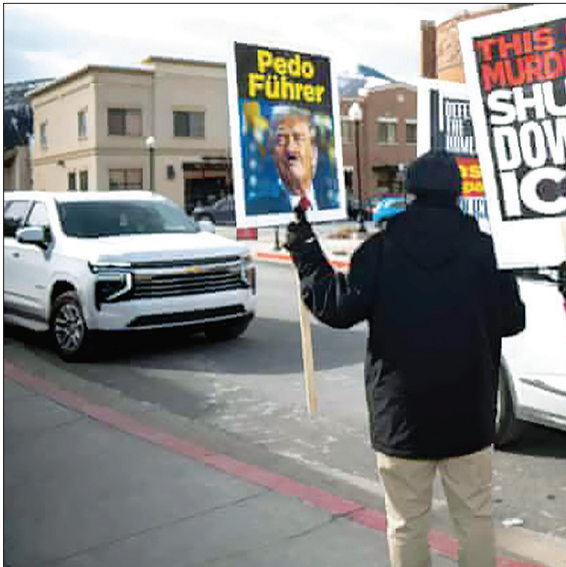
او با اشاره به این‌که حتی در کشورهای سرمایه‌داری به کتاب و فرهنگ بودجه می‌دهند و آن را جزء هزینه‌های کشور می‌دانند گفت: «در این کشورها در حوزه فرهنگ مشارکت ۵۰ درصدی دارند و به کتاب و فرهنگ یارانه می‌دهند و کمتر کشوری است که در مسائل فرهنگی یارانه پرداخت نکند، زیرا فرهنگ زیرساخت اجتماعی دارد.» هومان حسن‌پور درباره اینکه درحال حاضر باید چه کنیم، توضیح داد: «در کوتاه‌مدت شوکی که به قسمت‌های دیگر وارد شده، به قسمت فرهنگ وارد نکنیم و جلویش را بگیریم. به‌منظرم اصلاً کتاب‌کشی این کار را ندارد زیرا احتمالاً در هفته‌های آینده با افزایش مجدد قیمت کاغذ و در نتیجه کتاب روبه‌رو خواهیم بود. به‌منظرم باید در کوتاه‌مدت به شکلی به فکر موضوع کاغذ، نقدینگی تولیدکنندگان و بسته حمایتی فرهنگی برای قسمت آخر زنجیره باشیم و اجازه دهیم این اتفاقات آرام‌آرام در نشر حل شود تا شوک بزرگی وارد نشود. اگر امتیازی را از ابتدای چرخه به انتهای چرخه می‌بریم تا عدالت را رعایت کنیم، کمبود نقدینگی را با درصد بسیار ناچیز بانکی جبران کنیم. یعنی برای تولیدکننده کتاب راه‌حلی داشته باشیم تا نقدینگی او تأمین شود، آن هم با توجه به شرایط آن‌ها، نه پروتکل‌های بانکداری سودهای ۲۰ درصد و ۲۷ درصد، زیرا ناشر توانایی این کار را ندارد و در واقع رکود این اجازه را به او نمی‌دهد. و روندهایی که عرض کردم تسریع ببخشیم.»

و مسائل علمی همه چیز باید آزاد انجام شود، درست است و من نیز طرفدار این موضوع هستم اما به چه شرطی؟ به شرط این‌که اقتصاد روند باثباتی را طی کند، یعنی ارز کشور در هفت تا ۱۰ سال تغییری نکرده باشد و تولیدکننده بتواند تمام سعی خود را برای خلق ثروت بگذارد نه خلق اسکناس. حسن‌پور با بیان اینکه در این شرایط نیز از فرمی که به کار می‌رود استفاده صحیح نمی‌کنیم، گفت: «آقای رئیس‌جمهور فرمودند، یارانه را از اول زنجیره تولید گرفته به مصرف‌کننده دادیم تا عدالت را تا می‌توانیم رعایت کنیم، این می‌توانست منطقی هم باشد و به نکاتی اشاره کردند که نشان می‌داد با کارشناسان اقتصادی گپ‌وگفت داشته‌اند، این‌که گفته شد اولین عارضه تصمیم‌گیری نقصان و تضعیف شدید نقدینگی تولیدکننده‌هاست. چون به واردکننده برای واردات کالا ارزی را پرداخت می‌کردید که او کالا را ارزان‌تر در اختیار تولیدکننده بگذارد، حالا این پول حذف شده است، در نتیجه کالا با قیمت زیادی در اختیار تولیدکننده قرار می‌گیرد. باید این را در نظر داشت که تولیدکننده سرمایه در گردش دارد؛ مثلاً ناشر می‌توانست با ۱۰۰ میلیون تومان ۱۰ کتاب منتشر کند، اما الان با این مبلغ یک تا دو کتاب می‌تواند منتشر کند. اما آن‌جا که عرض کردم هر حوزه متفاوت است، بحث ما این است آخر زنجیره یعنی مصرف‌کننده در حال حاضر اگر حمایتی هم از او بشود به سمت کتاب نمی‌رود! این وجهه تخصصی کتاب و جایگاهش در سبد کالایی خانواده‌هاست. و اینکه حکمرانی چقدر برای این موضوع اهمیت قائل است بحثی جداست. اثر این وضعیت این است که به مرور کتاب جدید بیرون نمی‌آید و صنعت نشر به مرور از بین می‌رود، اگرچه به‌منظرم تا الان هم خیلی از بین رفته است. با اطلاعاتی که من دارم برخی از ناشران توانایی ایستادن ندارند و ناشرانی که محکم بودند، می‌گویند ما کار جدید منتشر نمی‌کنیم و فقط کارهای پیشین را تجدید چاپ

برنی، وقتی چنین اتفاق زشتی درست کنار ما در حال رخ دادن است». ساندنس معمولاً از سیاست فاصله نمی‌گیرد. این جشنواره سابقه‌ای طولانی در برجسته‌کردن هنرمندان نوظهور از پیشینه‌های متنوع دارد و به مقصد اصلی مستندهای معتبر و سیاسی چالش‌برانگیز تبدیل شده است؛ هر پنج نامزد اسکار امسال نخستین‌بار در همین‌جا به نمایش درآمده. برای نمونه، جشنواره سال گذشته شامل فیلم‌هایی درباره ممنوعیت کتاب‌ها در مدارس آمریکا به رهبری جمهوری خواهان و قوانین موسوم به «ایستادن بر موضع خود» در فلوریدا بود؛ و سال پیش از آن، فیلم بازی جنگ برای نخستین‌بار اکران شد که شبیه‌سازی یک کودتای احتمالی دولتی توسط رئیس‌جمهوری سرکش را دنبال می‌کرد. در سال‌های گذشته، فعالان اجتماعی از توجه رسانه‌ها به مهم‌ترین جشنواره فیلم آمریکا برای برگزاری اعتراض‌های حضوری در مرکز شهر استفاده کرده‌اند. در جشنواره ۲۰۲۴ گروهی حدود ۲۰۰ نفره از معترضان حامی فلسطین، ازجمله تریو رپ ایرلندی ایرلندی‌زبان و سوژه مستند جشنواره، «کنی‌کپ» خیابان شلوغ مین پارک‌سیتی را مسدود کردند تا توجه‌ها را به جنایت اسرائیل در غزه جلب کنند. جشنواره ۲۰۱۷ که هم‌زمان با نخستین مراسم تحلیف ترامپ برگزار شد نیز شاهد راهپیمایی ۸ هزار نفر «راهپیمایی زنان» بود که به رهبری کم‌دین چلسی هندلر و با سازمان‌دهی گروه‌هایی چون پلندپرنتهود و امیلیز لیست برگزار شد. امسال اعتراض‌های حضوری کم‌جمع‌تر

بود، هرچند پلاکاردها و شعارهای دست‌ساز ضد اداره مهاجرت در خیابان مین به‌چشم می‌خورد. شامگاه یک‌شنبه، حدود ۱۰۰ نفر (ازجمله الیجا وود، ستاره «ارباب حلقه‌ها») برای یک تجمع ۱۰ دقیقه‌ای با عنوان «ساندنس، اداره مهاجرت را ذوب می‌کند» گردهم آمدند. وود به دلایل گفت: «آنچه برای کسانی که به‌طور غیرقانونی در مینه‌سوتا با گلوله کشته شده‌اند رخ داده، وحشتناک است. ما اینجا در جشنواره‌ای هستیم که هدفش گردهم‌آوردن مردم و روایت داستان‌هایی از سراسر جهان است. ما اینجا دچار تفرقه نیستیم؛ داریم کنار هم جمع می‌شویم». با گذشت زمان و سازمان‌دهی بهتر، عصر دوشنبه جمعیت بزرگ‌تری در خیابان مین راهپیمایی کردند و با در دست داشتن بنرهای «مقاومت» شعار «لغو اداره مهاجرت» سر دادند. با این حال، برای بیشتر حاضران، گفت‌وگوها درباره آشوب‌ها و «الحظه کنونی» عمدتاً به‌صورت خصوصی یا در پنل‌ها و جلسه‌های پرسش‌وپاسخ پس از نمایش فیلم‌ها در این شهر اسکی‌محور جریان داشت. کوگن‌ادا، فیلم‌ساز، در نمایش فیلم بلند خود «زی» که در هنگ‌کنگ می‌گذرد، گفت: «می‌خواستم لحظه‌ای به آنچه در مینه‌سوتا در حال رخ دادن است اشاره کنم. من به این باور راجر ایبرت ایمان دارم که سینما ماشینی برای همدلی است. در تاریک‌ترین زمان‌ها، امیدوارید هنر به‌جای تجمل‌گرایی، حس انسانیت ما را عمیق‌تر کند. به نظرم امروز بیش از هر زمان دیگری انجام این کار برای مقابله با آنچه در جهان می‌گذرد، اهمیت دارد».

اشاره‌ها به اقتدارگرایی خرنده در سراسر جشنواره شنیده می‌شد. کری واشنگتن، بازیگر، در پنلی با عنوان «دموکراسی روی پرده و در خطر» سخن گفت. همچنین «انجمن سیاست‌گذاری آفریقایی-آمریکایی» پنلی با عنوان «داستان ما- مک‌کارتیسم نوین: چرا اقتدارگرایان از داستان‌گوها می‌ترسند» برگزار کرد که آوا دوورنی، ویت تان‌نگوین (برنده پولیتزر) و کارا یانگ (برنده تونی) در آن حضور داشتند. با رسیدن جشنواره به نیمه راه خود در روز دوشنبه، حال‌وهوا همچنان متشنج و نامطمئن باقی مانده بود، هرچند برنامه‌ها ادامه داشت. ناتالی پورتمن که برای فیلم «گالری‌دار» با وراثتی گفت‌وگو می‌کرد، گفت: «واقعاً غیرممکن است درباره آنچه اکنون در حال رخ دادن است و خشونت اداره مهاجرت صحبت نکنیم و اینکه باید فوراً متوقف شود. اما در عین حال، جامعه زیبایی وجود دارد که آمریکایی‌ها همین حالا دارند نشانش می‌دهند». پورتمن افزود: «مردم کنار هم می‌ایستند، از یکدیگر محافظت می‌کنند و برای آزادی‌شان می‌جنگند. این لحظه‌ای تلخ‌وشیرین است؛ جشن گرفتن چیزی که به آن افتخار می‌کنیم، در پس‌زمینه کشوری که در رنج است».



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بازار بیکاری

نرخ بیکاری در کشورهای ثروتمند چرا رو به رشد است؟

جواد خراسانی

<i>مترجم</i>

بازار کار جهان ثروتمند در حال پیشرفت است. در ۳ سال گذشته، میانگین نرخ بیکاری در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی(OECD) که باشگاهی متشکل از کشورهای عمدتاً ثروتمند است، بارها به پایین‌ترین حد تاریخی خود رسید. نرخ اشتغال افراد در سن کار در بالاترین حد خود قرار دارد. در دنیایی پر از تعرفه‌ها، عدم قطعیت ژئوپلیتیک و تهدید مشاغل از سوی هوش مصنوعی، این آمار بدی نیست. حتی در پس عملکرد قوی کلی، تغییرات قابل‌توجه‌تری نهفته است. کلیشه‌های دیرینه در حال محو شدن هستند. با گذشت زمان، بسیاری از کشورها از موارد نرخ بیکاری بالا به ماشین‌های کار تبدیل شده‌اند. برای مثال، برای دهه‌ها، بیکاری در ایرلند به‌طرز چشمگیری بالا بود و مردم وادار می‌شدند تا در جست‌وجوی کار به بریتانیا سپس آمریکا مهاجرت کنند. با این حال، این روزها نرخ بیکاری هر سه کشور تقریباً یکسان است. در مقابل، شیلی زمانی به‌عنوان بهشت بیکاری پایین شناخته می‌شد. اما تا اواخر دهه ۲۰۱۰ و با کاهش نرخ بیکاری در سایر نقاط جهان نرخ آن به یکی از بالاترین‌ها در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تبدیل شد.

اخیراً، کلیشه‌های بازار کار با شدت بیشتری در هم می‌شکنند. در دهه‌های اخیر، نرخ بیکاری استرالیا به‌طور متوسط نیم درصد بیشتر از نیوزیلند بود. امروزه این نرخ یک درصد کمتر است زیرا نیوزیلندی‌ها با ترکیدن حباب عظیم مسکن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در اواخر دهه ۲۰۱۰ کاستاریکا برای کاهش بیکاری به زیر ۱۰درصد تلاش کرد و اکنون آن را به ۵/۸ درصد رسانده است. در ماه‌های اخیر، نرخ بیکاری کانادا به‌طور نگران‌کننده‌ای افزایش یافته درحالی که نرخ بیکاری آمریکا ثابت بوده است.

هیچ کجا به اندازه جنوب اروپا دستخوش تغییر و تحول قابل‌توجه نبوده است. در اوج بحران یورو در سال‌های ۲۰۱۳–۲۰۱۲ میانگین نرخ بیکاری در سراسر پرتغال، ایتالیا، یونان و اسپانیا نزدیک به ۲۰درصد رسید. کارشناسان، کشورهای جنوب اروپا را به اختصار «PIGS» (خوک‌ها) نامیدند و آنها را به‌طور نامطلوبی در تضاد با شمالی‌های به اصطلاح سخت‌کوش‌تر در آلمان، هلند و کشورهای شمال اروپا قرار دادند. طبق داده‌های تازه منتشر شده PIGS شاید برای اولین بار، نرخ بیکاری پایین‌تری نسبت به سوئد، نروژ، ایسلند، فنلاند و دانمارک داشته باشد. در یونان، بیکاری فقط ۸/۲ درصد است؛ هتل‌داران از کمبود نیروی کار شکایت دارند. در مقابل، بیکاری فنلاند اخیراً برای اولین بار از دهه ۱۹۹۰ به بالای ۱۰درصد رسیده است. اما PIGS را فراموش کنید. وقت آن است که نگران SNIFD (حروف اول کشورهای شمال اروپا) باشیم.

همگرایی بین کشورهای اسکاندیناوی و جنوب اروپا تا حدودی نشان‌دهنده یک روند اساسی‌تر است. بازارهای کار در سراسر جهان ثروتمند به‌طور فزاینده‌ای شبیه به‌هم به‌نظر می‌رسند. در دهه ۲۰۰۰ نرخ بیکاری سالانه در کشوری که بیشترین بیکاری را داشت به‌طور متوسط ۱۴ درصد بالاتر از کشوری بود که بیشترین اشتغال را داشت. امروز این شکاف تنها ۸ درصد است. تقریباً همه جا بیکاری نسبتاً پایینی دارد. عوامل متعددی در این امر دخیل هستند. آموزش بهتر باعث می‌شود که افراد کمتری واقعاً بیکار باشند. فناوری بهبود یافته، از قبیل سکوهای مانند Indeed و لینکدین، تطبیق کارگران با مشاغل را آسان‌تر می‌کند. سیاست‌های سختگیرانه‌تر در مورد مزایا، گذران زندگی با کمک‌های دولتی را دشوارتر کرده است. در نتیجه بازار کار یک کشور ثروتمند روزبه‌روز از بازار کار کشور دیگر غیرقابل تشخیص‌تر می‌شود. با این اوصاف SNIFD هنوز هم می‌تواند از PIGS چیزهایی یاد بگیرد. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) اخیراً دوباره از برنامه‌های ایتالیا برای بهبود یادگیری مادام‌العمر تمجید کرد چون آنها به کاهش بیکاری بلندمدت کمک کرده‌اند. صندوق بین‌المللی پول خاطر نشان کرده که اقدامات اصلاحاتی یونان «از زمان همه‌گیری، تعدیل بازار کار را تسهیل کرده است». این صندوق همچنین اسپانیا را «به‌خاطر کاهش بی‌سابقه اشتغال موقت» که پس از اصلاحات بازار کار در سال ۲۰۲۱ رخ داد، ستایش کرد. درحالی که بازارهای کار شمال اروپا نفس‌نفس می‌زنند، رقبای خوکی آنها واقعاً در حال پیشرفت هستند.

منبع: اکونومیست

توسعه

زخم برف

در داووس ۲۰۲۶ چه گذشت؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

برف تازه باریده بود و سکوت کوه‌های آلپ، فقط با صدای هلیکوپترهایی شکسته می‌شد که رهبران جهان را یکی‌یکی به داووس می‌رساندند. در این روستای برفی و زیبا هر قدم روی برف، نشانه تصمیمی گرم و پرهزینه برای آینده اقتصاد و سیاست جهان بود. داووس ۲۰۲۶ نه یک نشست اقتصادی معمولی بلکه صحنه تلاقی جاده‌طلبی‌ها، ترس‌ها و بازی‌های قدرت بود و نام‌ها بیش از اعداد و سیاست‌ها بیش از بازارها سخن گفتند. از همان ساعات نخست، سه واژه مثل زمزمه‌ای مشترک در راهروهای شیشه‌ای تکرار می‌شد: ترامپ، گرینلند و ایران. این سه محور، نه‌متها جهت‌گیری اصلی گفت‌وگوها و پنل‌های داووس را شکل دادند بلکه نشان‌دهنده شکاف‌ها، نگرانی‌ها و رقابت‌های عمیق‌تری بودند که در نظم نوین جهانی در حال شکل‌گیری است. داووس ۲۰۲۶ بیش از هر زمان دیگر، صحنه رویارویی دیپلماسی، اقتصاد و جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی بود.

از طرفی دیگر، اگر داووس در سال‌های گذشته محل ارائه نسخه‌های خوش‌بینانه برای رشد جهانی بود، امسال بیشتر به اتاقی برای مدیریت بحران‌های هم‌زمان شباهت داشت: بحران‌هایی که از ژئوپلیتیک تا فناوری و از اقلیم تا نظم مالی بین‌المللی امتداد پیدا می‌کرد.

نخستین و شاید محوری‌ترین بحث، پایان دوره جهانی شدن بدون اصطکاک بود. بسیاری از اقتصاددانان و مدیران شرکت‌های چندملیتی تأکید کردند که اقتصاد جهان وارد مرحله‌ای از جهانی شدن گزینشی شده است؛ مرحله‌ای که در آن زنجیره‌های تأمین کوتاه‌تر، منطقه‌ای‌تر و سیاسی‌تر می‌شوند. جنگ تعرفه‌ها، تحریم‌ها و رقابت آمریکا و چین این روند را شتاب داده و هزینه تولید و تجارت را افزایش داده است. آینده رشد اقتصادی در سایه بدهی‌های سنگین دولت‌ها نیز محور مهم دیگر بود. افزایش نرخ بهره در سال‌های اخیر، بسیاری از اقتصادهای توسعه‌یافته و درحال توسعه را با فشار مضاعف بدهی روبرو کرده است. هشدارها درباره بازگشت بحران بدهی، به‌ویژه در کشورهای جنوب جهانی، از جدی‌ترین مباحث پنل‌های تخصصی بود و برخی از نیاز به اصلاح ساختارهای مالی بین‌المللی سخن گفتند.

سومین بحث مهم، نقش فناوری و هوش مصنوعی در بازتعریف بازار کار و بهره‌وری بود. اگرچه هوش مصنوعی به‌عنوان موتور رشد آینده معرفی شد اما نگرانی‌ها درباره حذف گسترده مشاغل، تعمیق نابرابری و تمرکز ثروت در دست شرکت‌های بزرگ فناوری به‌شدت مورد توجه قرار گرفت. همچنین گذار انرژی و اقتصاد سبز به‌عنوان یک ضرورت

بازار سهام

بازار سهام

بازار تمام فروش

بازار چگونه یک کانال سقوط کرد؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

مبادلات دیروز بورس تهران درحالی به پایان رسید که بازار سهام همچنان در محدوده منفی قرار داشت اما شدت افت شاخص کل نسبت به روزهای قبل کاهش محسوسی را تجربه کرد. شاخص کل بورس در پایان معاملات با افت ۳۰ هزار و ۷۴۶ واحدی معادل ۷۷/۲۷درصد، در سطح ۳ میلیون و ۹۸۱ هزار واحد ایستاد. این میزان کاهش، اگرچه همچنان بیانگر غلبه فضای منفی بر بازار است اما نسبت به افت‌های سنگین هفته‌های اخیر، نشانه‌ای از کاهش فشار فروش و تعدیل هیجانات منفی محسوب می‌شود.

شاخص کل هم‌وزن که تصویر دقیق‌تری از وضعیت کلی نمادها ارائه می‌دهد، در پایان معاملات با افت ۱۳ هزار و ۶۸۴

بررسی تحولات اقتصادی

غیرقابل اجتناب مطرح شد اما اجماع روشنی درباره هزینه‌ها و مسیر آن وجود نداشت. داووس ۲۰۲۶ نشان داد که آینده اقتصاد جهان نه بر پایه قطعیت بلکه بر اساس مدیریت ریسک، سازگاری و تصمیم‌های سیاسی دشوار شکل خواهد گرفت.

رئیس‌جمهور ایالات‌متحده آمریکا با آگاهی کامل از اهمیت رسانه‌ای این رویداد یک لشکر دیپلماتیک تمام‌عیار را راهی داووس کرده بود. هدف مشخص بود: بازگرداندن نام خود و کشورش به صدر اخبار جهان. این مأموریت با موفقیت انجام شد. ترامپ بار دیگر نشان داد که چگونه می‌تواند با ترکیبی از جنجال، اظهارنظرهای غیرمنتظره و طرح موضوعات حساس، توجه افکار عمومی و رسانه‌ها را به خود جلب کند. از گرینلند گرفته تا ناتو، از چین تا ایران و از جنگ تعرفه‌ها تا آینده اقتصاد



جهانی، همه چیز در بسته‌ای فشرده و پرهیاهو عرضه شد. در سوی دیگر میدان، چین که در سال‌های گذشته با قدرت و اعتمادبه‌نفس بیشتری در داووس حضور می‌یافت، امسال محتاط‌تر ظاهر شد. نمایندگان یکن ترجیح دادند به‌جای سخنان آتشین بر دیپلماسی آرام و پیام‌های حساب شده تمرکز کنند. همین احتیاط باعث شد، چینی‌ها به جمع اروپایی‌هایی پیوندند که به‌شدت نگران تحرکات آمریکا، به‌ویژه در موضوع گرینلند و امنیت شمال اروپا بودند. اروپا برای نخستین‌بار در سال‌های اخیر، تصمیم گرفت در برابر زیاده‌خواهی‌های واشنگتن موضعی منسجم‌تر اتخاذ کند و نشانه‌هایی از استقلال راهبردی خود را به نمایش بگذارد؛ تصمیمی که اگرچه پرهزینه اما از نگاه بسیاری از تحلیلگران اجتناب‌ناپذیر بود. در این میان کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس همچون سال‌های گذشته، داووس را فرصتی طلایی برای پیشبرد بلندپروازی‌های اقتصادی خود دیدند. آنها به‌خوبی آموخته‌اند که چگونه از دیپلماسی اقتصادی برای جذب سرمایه، انتقال فناوری و تثبیت جایگاه خود در اقتصاد جهانی استفاده کنند. نتیجه این تلاش‌ها نیز ملموس بود؛ توافق شد که شهر جده در عربستان سعودی در روزهای دوم و سوم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ (۲۲) و ۲۳ آوریل (۲۰۲۶) میزبان همایش بین‌المللی مجمع جهانی اقتصاد با محور همکاری و توسعه باشد. این خبر بدون تردید بهترین دستاورد داووس برای سران کشورهای عربی خلیج‌فارس بود. آنها

اکنون ۳ ماه فرصت دارند تا بسته‌های سرمایه‌گذاری، پروژه‌های زیرساختی و برنامه‌های توسعه‌ای خود را نهایی کرده و به رهبران اقتصادی جهان ارائه دهند. این طرح‌ها یا به توسعه فرصت‌های اقتصادی در داخل مرزهای این کشورها منجر خواهد شد یا سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی آنها را گسترش می‌دهد؛ مسیری که در نهایت، جریان سرمایه و سود بیشتری را به اقتصادهای نفت‌محور اما در حال گذار این کشورها سرازیر خواهد کرد.

در سوی مقابل، ایالات‌متحده و ترامپ غیرقابل‌پیش‌بینی داووس را به میدان یک جنگ تمام‌عیار دیپلماتیک تبدیل کردند. یک سال پیش، درست در روزی که ترامپ دوره جدید ریاست‌جمهوری خود را آغاز کرده بود، پنجاه‌پنجمین مجمع جهانی اقتصاد برگزار شد و بسیاری از شرکت‌کنندگان منتظر بودند تا درباره جهت‌گیری‌های دولت جدید آمریکا بشنوند. اما سناریوی امسال تفاوت‌های قابل‌توجهی با سال گذشته داشت. ترامپ این بار نه برای توضیح بلکه برای فشار، هشدار و بازتعریف قواعد بازی آمده بود. او با برجسته کردن موضوعاتی چون گرینلند، آینده ناتو، پرونده هسته‌ای ایران، رقابت با چین و سیاست‌های تعرفه‌ای، تلاش کرد بار دیگر مرکز ثقل گفت‌وگوها را به سمت واشنگتن بچرخاند. این رویکرد اگرچه توجه رسانه‌ها را جلب کرد اما واکنش‌های انتقادی گسترده‌ای نیز در پی داشت؛ به‌ویژه از سوی اروپایی‌ها که این بار، برخلاف گذشته

توانستند در برخی حوزه‌ها به نتیجه‌ای که می‌خواستند، دست یابند و پیام روشنی درباره محدودیت‌های قدرت آمریکا ارسال کنند. ایران نیز اگرچه کم‌فروغ‌تر از سال گذشته در داووس ظاهر شد اما همچنان یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوها باقی ماند. در سال گذشته، سخترانی محمدجواد ظریف یکی از پرسروصداترین پنل‌های مجمع را رقم زده بود و توجه بسیاری را به خود جلب کرده بود. امسال قرار بود عباس عراقچی، وزیر امور خارجه به نمایندگی از ایران در داووس حضور یابد اما این حضور در دقایق پایانی لغو شد. با این حال غیبت رسمی ایران مانع از آن نشد که نام و نقش کشورمان در بحث‌های مربوط به امنیت منطقه، انرژی و آینده تعامل با غرب مطرح نشود. در مجموع، حاشیه‌کوه‌های آلپ در سوئیس، که هر سال محل ترسیم خط‌مشی‌های بزرگ اقتصادی جهان است در سال ۲۰۲۶ نیز میزبان رهبران سیاسی، اقتصادی و فعالان بزرگ کسب‌وکار بود. داووس بار دیگر تلاش کرد، تصویری جذاب از آینده توسعه اقتصادی کشورها و شرکت‌ها ارائه دهد؛ آینده‌ای که در عین وعده‌های بزرگ بیش از هر زمان دیگر غیرقابل‌پیش‌بینی به نظر می‌رسد. جهانی که در داووس ۲۰۲۶ ترسیم شد، جهانی پرتش، چندقطبی و سرشار از فرصت‌ها و تهدیدهای همزمان بود؛ جهانی که مسیر آن، نه‌تنها به تصمیم‌های اقتصادی بلکه به ظرفت‌های دیپلماتیک و تعادل‌های شکننده سیاسی گره خورده است.

است.
سرنه خرید حقیقی‌ها در معاملات دیروز حدود ۶۴ میلیون تومان و سرنه فروش در سطح بالاتر ۷۳/۸ میلیون تومان ثبت شد. این اختلاف همچنان نشان‌دهنده برتری فروشندگان در بازار است. قدرت خرید منفی ۱/۱۶ نیز تأیید می‌کند که توازن عرضه و تقاضا به‌نفع فروشندگان باقی مانده اما فاصله آن نسبت به روزهای قبل کمتر شده و می‌توان آن را نشانه‌ای از کاهش شتاب خروج سرمایه دانست.

جریان نقدینگی همچنان به زیان بازار سهام در حال حرکت است. خروج پول حقیقی از سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به حدود ۱۷۳۲ میلیارد تومان رسید. در کنار آن، صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج سنگین نقدینگی مواجه شدند و حدود ۴۰۰۲ میلیارد تومان پول حقیقی از این صندوق‌ها خارج شد. این آمار بیانگر فضای بی‌اعتمادی و احتیاط شدید سرمایه‌گذاران است که ترجیح می‌دهند، نقدینگی خود را از بازارهای مالی خارج کنند یا در انتظار شرایط باثبات‌تر باقی بمانند.

یکی از نکات قابل‌توجه معاملات دیروز، افزایش تعداد نمادهای مثبت نسبت به روزهای گذشته است. در پایان معاملات ۲۲۳ نماد در محدوده مثبت و ۵۹۸ نماد در محدوده منفی قرار داشتند. اگرچه تعداد نمادهای منفی همچنان بالاست اما رشد نمادهای مثبت نشان می‌دهد، بخشی از بازار توانسته از فشار شدید فروش فاصله بگیرد و حتی در برخی نمادها شاهد شکل‌گیری تقاضای مؤثر بوده‌ایم.

آزاد شد!

عبور از سد تبصره ۲۰؛ موتور قانون به‌نفع زنان روشن شد

گروه اجتماعی: هشتم بهمن ماه در تاریخ تحولات حقوقی و اجتماعی زنان ایران به‌عنوان روزی ثبت خواهد شد که یکی از دیرپاترین مطالبات مدنی نیمی از جمعیت کشور از دالان‌های پریچ‌وخم بروکرآسی و ابهام قانونی عبور کرد و به مقصدی روشن رسید. هیأت دولت در جلسه صبح دیروز خود، با تصویب مصوبه‌ای کلیدی، عملاً گره کور صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان را گشود تا پس از سال‌ها پیگیری، موتورسواری زنان از وضعیت «جرم‌انگاری نانوشته» به «حق شهروندی قانونی» تغییر وضعیت دهد. این تصمیم نه‌تنها پایان‌بخش یک انتظار چندین ساله برای رفع تبعیض در حوزه حمل‌ونقل شهری است بلکه واکنشی واقع‌بینانه به تغییرات سبک زندگی در کلان‌شهرهایی است که ترافیک فرساینده، موتور را برای بسیاری از زنان، نه یک وسیله تفریحی بلکه ابزاری ضروری برای مدیریت زمان و اقتصاد خانواده کرده است.

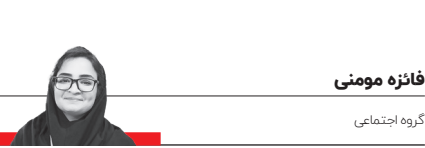
پایان خلأ قانونی و آغاز عصر نظارت

تأیید این مصوبه دیروز پاس‌تور، صدور گواهینامه برای زنان در ایران همواره پشت سد تفسیری سخت‌گیرانه از تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی متوقف مانده بود؛ تبصره‌ای که با ذکر کلمه «مردان»، پلیس راهور را در بن‌بست اجرایی قرار داده بود. به‌رغم اینکه موتورسواری زنان هرگز به‌صراحت در قانون جرم تلقی نمی‌شد و در پیست‌های ورزشی نیز جریان داشت اما فقدان گواهینامه

جامعه

زمستان سخت ویت‌رین‌های خاموش

کالبدشکافی سقوط آزاد اقتصاد دیجیتال



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

سایه سنگین ۲۰ روز خاموشی اینترنت در دی و بهمن ماه، ویت‌رین‌های مجازی را در آستانه سال نو به گل نشاند تا سقوط ۸۰ درصدی فروش، امید یک میلیون شاغل این حوزه را برای بهره‌مندی از بازار شش‌عید به کابوسی از تعدیل نیرو و چک‌های برگشتی بدل کند. دیروز در حاشیه جلسه هیأت دولت درحالی‌که وزیر ارتباطات از آغاز روند عادی‌سازی سخن می‌گفت، اعدادی بر زبان رانده شد که عمق فاجعه را به‌خوبی ترسیم می‌کند: خسارت روزانه ۵ همتی به کل اقتصاد دیجیتال؛ عددی که فراتر از یک آمار، به‌معنای نابودی انگیزه، سرمایه و اشتغال میلیون‌ها ایرانی است.

شلیک به قلب معیشت؛ وقتی ۸۰درصد فروش دود می‌شود نخستین ضربه این محدودیت‌ها، مستقیم به پیشانی کسب‌وکارهای کوچک و متوسطی برخورد کرد که تمام سرمایه‌شان در فضای مجازی خلاصه می‌شد. رضا الفت‌نسب، رئیس اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی، در تشریح این وضعیت بی‌سابقه معتقد است که حتی کسب‌وکارهای بزرگ که سایت‌هایشان در بستر داخلی میزبانی می‌شد و به ظاهر «بالا» بودند با کاهش خیره‌کننده ۸۰ درصدی فروش در همان روزهای نخست روبه‌رو شدند. این پارادوکس نشان‌دهنده یک واقعیت فنی غیرقابل انکار است؛ چرخ فروش در فضای مجازی با موتورهای جست‌وجو و ابزارهای بین‌المللی می‌چرخد. وقتی گوگل مسدود باشد عملاً وب‌سایت‌های معروف داخلی نیز از رادار مشتریان خارج می‌شوند. افت ترافیک ورودی و لکنت در موتورهای جست‌وجوی داخلی که به گفته فعالان نتایج درستی ارائه نمی‌دهند و با تأخیر بسیار بالا مواجهند، باعث شده که اعتماد مشتری به خرید آنلاین به پایین‌ترین سطح ممکن برسد. این انقباض اقتصادی تنها یک عدد در ترازنامه شرکت‌ها نیست، بلکه به‌معنای بلاتکلیفی مطلق برای یک میلیون نفری است که به‌صورت مستقیم از طریق فروش در شبکه‌های اجتماعی امرار معاش می‌کنند. طبق آمارهای رسمی حدود ۷۰۰ هزار صفحه فروشگاه‌ی در اینستاگرام فعال هستند که لایه اصلی آسیب را قشر متوسط رو به پایین و ضعیف جامعه تشکیل می‌دهند.

در معابر شهری، زنان را از بدبیهی‌ترین حقوق خود ازجمله پوشش بیمه شخص ثالث محروم می‌کرد. این وضعیت پارادوکسیکال باعث شده بود هزاران زن که برای رساندن فرزندان به مدرسه یا اشتغال در پلنفرم‌های حمل‌ونقل از موتور استفاده می‌کردند هر لحظه با خطر توقیف وسیله، جریمه و خشونت ترافیکی بدون پشتوانه قانونی روبه‌رو باشند. زهرا بهروزآذر، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور، پس از خروج از جلسه هیأت دولت با اعلام رسمی این خبر تأکید کرد که با هماهنگی‌های صورت‌گرفته با فراجا، از این پس هیچ مانع قانونی برای صدور گواهینامه وجود ندارد و نیروی انتظامی موظف به برگزاری کلاس‌های آموزشی رسمی برای متقاضیان زن است.

جزئیات اجرایی؛ از مریدان زن تا استانداردهای برقی

مصوبه جدید بر دو رکن «امنیت اخلاقی-آموزشی» و «ایمنی فنی» استوار شده است تا بهانه‌های مخالفان برای توقف این روند را به حداقل برسانند. در بخش اول، فرماندهی کل انتظامی مکلف شده است که فرآیند آموزش عملی را از طریق مریدان و افسران زن سازماندهی کند. این رویکرد ضمن احترام به ملاحظات شرعی و عرفی، ساختاری حرفه‌ای برای آموزش زنان ایجاد می‌کند که تا پیش از این تنها در آموزشگاه‌های رانندگی خودرو وجود داشت. اما بخش دوم و راهبردی این مصوبه، وزارت صمت را مکلف کرده تا با همکاری سازمان استاندارد، توسعه موتورسیکلت‌های برقی و ایمن‌سازی

موتورسیکلت‌های برقی و ایمن‌سازی

موتورسیکلت‌های برقی و ایمن‌سازی

موتورسیکلت‌های برقی و ایمن‌سازی

دومینوی ویرانی؛ از کدهای برنامه‌نویسی تا چرخ‌های پنچر لجبستی‌ک

خسارت‌های ناشی از قطع اینترنت تنها در جهان صفر و یک باقی نماند و به سرعت به دنیای فیزیکی و صنعت حمل‌ونقل سرایت کرد. سیدستار هاشمی، وزیر ارتباطات دیروز فاش کرد که برآوردهای اولیه نشان می‌دهد، روزانه ۵۰۰ میلیارد تومان خسارت مستقیم به «هسته» اقتصاد دیجیتال وارد شده اما با احتساب لایه‌های دوم و سوم و آثار جانبی، این رقم به ۵ هزار میلیارد تومان در روز جهش می‌یابد. این دومینو چرخ‌های صنعت لجبستی‌ک را قفل کرده است؛ شرکت ملی پست به‌عنوان بازوی دولتی این زنجیره، با کاهش ۴۰ درصدی ترافیک مرسولات مواجه شده که تنها در یک بازه ۱۰ روزه منجر به افت درآمد ۵۰۰ میلیارد تومانی این شرکت شده است. در بخش خصوصی فاجعه ابعاد وسیع‌تری دارد. مدیرعامل پلنفرم «پستکس» با اشاره به سقوط ۸۰ درصدی سفارش‌ها از تصمیمی تلخ پرده برداشته است: تعدیل ۶۰ درصدی نیروی انسانی. این یعنی هزاران نفر از نیروهای پشتیبانی، بسته‌بندی و توزیع، درست در بهمن ماه که فصل اوج‌گیری خریده‌است به صف بیکاران پیوسته‌اند. برنامه‌نویسانی که برای رفع باگ‌های سیستم یا آپدیت برنامه‌ها به اینترنت بین‌الملل نیاز داشتند اکنون در شرکت‌هایی با بیش از ۲۰۰ نفر نیروی فنی عملاً بیکار نشسته و تنها نظاره‌گر قفل شدن پروژه‌های توسعه‌ای خود هستند.

بسته‌های حمایتی یا نمک بر زخم کسب‌وکارهای زخمی؟

واکنش دولت به این بحران بی‌سابقه، ارائه بسته‌های حمایتی از سوی معاونت علمی ریاست جمهوری بوده است؛ بسته‌هایی که در میان فعالان بخش خصوصی با تعبیری چون «شوخی تلخ» و «اوج وقاحت» یاد می‌شود. منطقی اعتراض صاحبان کسب‌وکارهای دیجیتال روشن است؛ دولتی که خود عامل قطع اینترنت و غارت فرصت‌های اقتصادی بوده اکنون به‌جای پرداخت خسارت بلاعوض، پیشنهاد تسهیلات و وام با نرخ بهره مصوب و بازپرداخت کوتاه را می‌دهد. بسیاری از مدیران مانند مدیرعامل استودیو بازی‌سازی مدریک، معتقدند سازوکار بازپرداخت یک ساله و نرخ‌های بهره بالا، فشار مضاعفی را بر پیکر نیمه‌جان کسب‌وکارهای کوچک وارد می‌کند. از سوی دیگر، شرط «اثبات آسیب با سند و مدرک» برای شرکت‌های خدماتی و نرم‌افزاری که فروش کالا ندارند عملاً دسترسی آنها را به این حمایت‌ها غیرممکن کرده است. فعالان حوزه کارخانه‌های نوآوری می‌گویند در تجربیات قبلی، مانند جنگ ۱۲ روزه، از هر سه شرکت تنها یک شرکت موفق به دریافت حمایت شد و حالا اعتماد به این وعده‌های دولتی به کمترین میزان خود رسیده است.



تجهیزات جانبی را در اولویت قرار دهد. تمرکز بر موتورهای برقی نه‌تنها تلاشی برای کاهش آلودگی هوای کلان‌شهرهاست بلکه پاسخی است به نیاز بخش بزرگی از زنان که از اسکوترهای برقی به دلیل سهولت در رانندگی و ایمنی بالاتر استقبال کرده‌اند. اجباری شدن سیستم‌های ترمز ضدقفل (ABS) و کلاه‌های ایمنی استاندارد در این مصوبه، نشان‌دهنده تغییر نگاه دولت از یک برخورد صرفاً امنیتی به یک مدیریت ترافیکی علمی و ایمن‌محور است.

تغییر موازنه در فرهنگ ترافیک شهری

تصمیم دیروز دولت را باید پاسخی به فشارهای اجتماعی انباشته‌شده در ماه‌های اخیر دانست. گزارش‌های میدانی از محلات مرکزی و پرتراфик تهران نشان می‌داد که تعداد زنان موتورسوار به شکل فزاینده‌ای افزایش یافته و قانون‌گذار دیگر نمی‌توانست نسبت به این جمعیت بزرگ بی‌تفاوت بماند. مدارنی که برای فرار از گردهای ترافیکی، فرزندان خود را با موتور به مقاصد آموزشی می‌رساندند، در صورت بروز تصادف به دلیل نداشتن گواهینامه با بحران‌های حقوقی جبران‌ناپذیری روبه‌رو می‌شدند. اکنون با قانونی شدن این فرآیند، نه‌تنها زنان زیر چتر حمایتی بیمه قرار می‌گیرند بلکه به اعتقاد

موتورسیکلت‌های برقی و ایمن‌سازی

موتورسیکلت‌های برقی و ایمن‌سازی

موتورسیکلت‌های برقی و ایمن‌سازی

موتورسیکلت‌های برقی و ایمن‌سازی

تاب‌آوری در مرز انفجار؛ شوخی تلخی به‌نام بی‌نیازی از جهان وزیر ارتباطات دیروز در جمع خبرنگاران، حقیقتی را بر زبان آورد که سال‌ها توسط کارشناسان گوش‌خرد می‌شد: «بی‌نیازی به اینترنت بین‌الملل یک شوخی تلخ است». او صراحتاً عنوان کرد که آستانه تاب‌آوری کلان اقتصاد دیجیتال کشور تنها ۲۰ روز است؛ یعنی دقیقاً نقطه‌ای که امروز در آن ایستاده‌ایم. تداوم این وضعیت نه‌تنها به‌معنای نابودی برندهای داخلی است بلکه امنیت کاربر را نیز به دلیل عدم دسترسی به آپدیت‌های امنیتی به خطر انداخته است. حتی حوزه دیپلماسی و ورزش نیز از این ترکش‌ها در امان نماند؛ چنان‌که سفارت روسیه اعلام کرد، قطعی اینترنت مانع صدور ویزای کشتی‌گیران ایرانی شده است. فریلنسرها که پروژه‌های خارجی داشتند اکنون با قطع ارتباط بین‌المللی، اعتبار و درآمد خود را به کلی از دست داده‌اند. واقعیت این است که زیست‌بوم فناوری ایران، بخشی از زیست‌بوم جهانی است و هرگونه تلاش برای ایجاد یک جزیره مستقل، تنها به مرگ تدریجی دانش و تخصص منجر خواهد شد. حملات سایبری که در این مدت تشدید شده، نشان داد که حتی با قطع اینترنت بین‌الملل، امنیت زیرساخت‌ها تضمین نمی‌شود بلکه تنها دسترسی مردم به زندگی عادی مسدود می‌شود.

فرجام ۲۰ روز خاموشی؛ هجرت یا ماندن در غار؟

آنچه بیش از همت‌های از دست‌رفته نگران‌کننده است، «مرگ انگیزه» و «تخریب زیرساخت‌های انسانی» است. کسب‌وکارهای خرد که با سرمایه‌های اندک و خون‌دل بنا شده بودند اکنون با افت ۹۰ درصدی فروش در برخی پلنفرم‌ها، دیگر رمقی برای شروع دوباره ندارند. پشتون پوریزشک، مدیرعامل پادرو، به‌درستی اشاره می‌کند که حتی در صورت وصل شدن کامل اینترنت، بسیاری از فعالان خرد دیگر ریسک بازگشت به این بازار ناپایدار را نخواهند پذیرفت. وقتی زنجیره بحران‌ها (از جنگ ۱۲ روزه و قطعی برق تا قطع ۲۰ روزه اینترنت) پشت سر هم تکرار می‌شود، فرصت ریکاورِی از میان می‌رود. امروز، اگرچه دولت از بازگشایی تدریجی سخن می‌گوید اما زخمی که بر پیکر اعتماد بخش خصوصی وارد شده با هیچ کلیدی باز نخواهد شد. امنیت واقعی، نه در قطع کردن کابل‌ها بلکه در پایداری معیشت ۱۰ میلیون نفری است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت‌تأثیر این فضا هستند. اگر قرار است اقتصاد دیجیتال سهمی در تولید ناخالص داخلی داشته باشد باید پذیرفت که اینترنت یک کالای لوکس نیست؛ اینترنت اکسیژن بازار است و قطع آن، چیزی جز خفگی دسته‌جمعی اقتصاد را در پی نخواهد داشت.

کارشناسان ترافیک، ورود رسمی زنان به شبکه رانندگان موتورسیکلت می‌تواند کیفیت فرهنگ رانندگی را ارتقا دهد؛ چراکه داده‌های آماری همواره نشان داده‌اند، زنان به‌مراتب بیش از مردان به رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی پایبند هستند.

عبور از نقدهای سنتی؛ حق شهروندی علیه سلیقه‌گرایی

البته مسیر رسیدن به این مصوبه هموار نبوده است. همین چند ماه پیش در شهریورماه، برخی نمایندگان مجلس با نگاهی سنتی، موتورسواری زنان را «ناپسند» و مغایر با الگوهای فرهنگی توصیف کرده بودند. معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری صراحتاً اعلام کرد که هیچ منع شرعی یا قانونی اساسی برای این موضوع وجود نداشته و مشکل تنها در رویه‌های اجرایی پلیس بود که اکنون با مصوبه هیأت دولت مرتفع شده است. این تغییر رویکرد، گامی تاریخی در جهت رفع تبعیض‌های جنسیتی در حوزه خدمات عمومی محسوب می‌شود و نشان‌دهنده به رسمیت شناختن حقوق شهروندی نیمی از جمعیت کشور در استفاده برابر از فضا‌های شهری است.

از ابلاغ تا اجرا در کف خیابان

اگرچه این مصوبه دولت یک پیروزی بزرگ برای فعالان حقوق زنان و کارشناسان شهری است اما موفقیت نهایی آن در گروی سرعت عمل نهادهای اجرایی است. فراجا باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن، آموزشگاه‌های اختصاصی یا شیفت‌های ویژه بانوان را فعال کند و وزارت صمت نیز باید بازار را با موتورسیکلت‌های ایمن و متناسب با نیاز شهروندان اشباع کند. با ابلاغ این مقرر، انتظار می‌رود در هفته‌های آتی شاهد ثبت‌نام گسترده زنان در آموزشگاه‌های رانندگی باشیم. این اقدام دولت، فراتر از صدور یک کارت پلاستیکی به‌نام گواهینامه در واقع به رسمیت شناختن استقلال در جابه‌جایی و حق امنیت در تردد برای زنانی است که سال‌ها در سایه تردید و ترس رانندگی می‌کردند. از فردا، خیابان‌های شهر شاهد حضور قانونمند رانندگانی خواهد بود که دیگر نگران توقیف وسیله خود به دلیل «جنسیت» نخواهند بود.

رسانه

سرانجام دانشجویان بازداشتی

وزیر علوم؛ آماری از دانشجویان فوت‌شده ندارم!

در پی تداوم واکنش‌ها به اعتراضات و حوادث دی ماه و پیامدهای آن در محیط‌های دانشگاهی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری از پیگیری وضعیت دانشجویان بازداشتی خبر داد و هم‌زمان انجمن روان‌شناسی ایران با انتشار نامه‌ای رسمی، خواستار بررسی علمی و مستقل پیامدهای روان‌شناختی شرایط اجتماعی اخیر شد؛ دو موضع‌گیری که هرچند از دو نهاد متفاوت صادر شده‌اند اما بر محور دانشگاه و نقش آن در مواجهه با بحران‌های اجتماعی متمرکزند.

حسین سیمایی‌صراف، وزیر علوم، در حاشیه جلسه اخیر هیأت دولت و در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره وضعیت دانشجویان در جریان حوادث اخیر، اعلام کرد که آماری از دانشجویان جان‌باخته در اختیار ندارد.

او در عین حال تأکید کرد، تعدادی از دانشجویان در این حوادث بازداشت شده بودند که به گفته وی، «اغلب آنان بعد از چند ساعت آزاد شده‌اند». به گفته وزیر علوم، درباره دانشجویانی که همچنان در بازداشت به‌سر می‌برند، مکاتباتی با قوه قضائیه انجام شده و این وزارتخانه با شوری‌عالی امنیت ملی نیز در تماس است.

وزیر علوم با اشاره به پیگیری‌های صورت‌گرفته از طریق رئیس قوه قضائیه، معاون اول رئیس‌جمهور و دبیرخانه شورای‌عالی امنیت ملی، ابراز امیدواری کرد که «باقی‌مانده بازداشتی‌ها» بزودی آزاد شوند؛ هرچند تصریح کرد این پیگیری‌ها شامل افرادی که به گفته او «مسلح بودند یا ارتباط با بیگانه داشتند» نمی‌شود.

هم‌زمان، هیأت‌مدیره انجمن روان‌شناسی ایران با انتشار نامه‌ای خطاب به وزیر علوم بر ضرورت بررسی علمی و اخلاق‌محور پیامدهای روان‌شناختی شرایط اجتماعی اخیر تأکید کرده است. در این نامه، انجمن ضمن استقبال از توجه وزارت علوم به نقش نهاد علم، هشدار داده که تقلیل اعتراض‌های اجتماعی به عوامل صرفاً فردی یا هیجانی با یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی همخوانی ندارد. به باور نویسندگان نامه، فشارهای اقتصادی و روانی مزمن، احساس بی‌عدالتی و کاهش احساس شنیده شدن از عوامل زمینه‌ساز بروز و تداوم اعتراض‌ها هستند.

جرهش طلا

دیروز خبرها حاکی از آن بود که قیمت هر دلار به ۱۶ هزار تومان رسید اما در بازار ارز گفته می‌شدد، خرید و فروشی صورت نمی‌گیرد. اما سکه و طلا جهش عجیبی داشتند. دیروز با آغاز به‌کار بازار طلا، هر مثقال طلای ۱۷ عیار ۸۶ میلیون تومان، هر گرم طلای ۱۸ عیار ۱۹ میلیون و ۸۵ هزار تومان و هر گرم طلای ۲۴ عیار ۳۱ میلیون و ۴۶ هزار تومان قیمت‌گذاری شد. همچنین هر قطعه تمام سکه طرح جدید با افزایش بی سابقه به ۲۰۲ میلیون تومان، هر قطعه تمام سکه طرح قدیم ۱۹۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، هر قطعه نیم‌سکه ۱۰۴ میلیون تومان، هر قطعه ربع سکه ۵۹ میلیون تومان و هر قطعه سکه یک گرمی بانک مرکزی ۳۱ میلیون تومان قیمت‌گذاری شد.



نسبت معترضان و اصلاح‌طلبان

قانون‌گرایی، کرامت انسانی، پاسخگویی، رفع تبعیض و مقابله با فساد. بخش بزرگی از معترضان، برخلاف برخی روایت‌ها، نه خواهان بی‌ثباتی‌اند و نه طالب هرج‌ومرج اما تجربه سال‌های اخیر باعث شده، نسل معترض به این جمع‌بندی برسد که سازوکارهای پیشین اصلاح‌طلبی، دست‌کم در شکل فعلی، توان پاسخ‌گویی به مطالبات انباشته را ندارند.

بی‌تردید یکی از خطاهای حاکمیت در سال‌های گذشته تضعیف جریان اصلاح‌طلبی بود؛ امری که به کاهش مرجعیت سیاسی در داخل و تقویت صدهای بیرونی انجامید. با این حال نسل جدید معترض، مسئله را صرفاً در حذف سیاسی خلاصه نمی‌کند. از نگاه آنان، اصلاح‌طلبان بخشی از تجربه زیسته، ناکامی آنها هستند؛ دولت‌هایی که با رأی مردم و شعار اصلاح و تدبیر روی کار آمدند اما در بزنگاه‌ها نتوانستند از سرمایه اجتماعی خود به‌طور مؤثر بهره بگیرند. مقاومت بخش‌های تندرو در ساختار قدرت و واقعیتی انکارناپذیر بود اما جامعه انتظار داشت دولت‌ها دست‌کم در کنار مطالبات مردم بایستند و هزینه گفت‌وگوی صریح را بپذیرند.

سناریوهای آمریکا علیه ایران

حمزه صفوی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران از ۹ سناریوی احتمالی آمریکا علیه ایران سخن گفته است؛ سناریوهایی که از فشار روانی تا حملات نظامی و اقتصادی را دربر می‌گیرد. او توضیح می‌دهد که نخستین گزینه، تحرکات محدود نظامی برای ایجاد فشار روانی است. پس از آن احتمال حملات محدود برای معتبرسازی تهدیدها مطرح می‌شود؛ اما ایران هر تعرضی را جنگی تمام‌عیار تلقی خواهد کرد. سناریوی دیگر، حمله، نه‌ادین به مراکز تصمیم‌گیری است که به دلیل تبعات منطقه‌ای با ابهام جدی همراه است. صفوی همچنین به گزینه‌های پرهزینه‌تری اشاره می‌کند: حمله به زیرساخت‌های نظامی و موشکی، ضربه به مراکز اقتصادی و انرژی، یا حتی

سی‌ان‌ان در تهران

شبکه آمریکایی سی‌ان‌ان یک گزارش زنده از میدان ولیعصر ایران پخش کرد. فیلم، شهری آرام را نشان می‌داد با دیوارنگاره میدان ولیعصر که آمریکا را تهدید کرده بود. خبرنگار سی‌ان‌ان با چند نفری که صحبت کرد آنها از اینکه جنگ به ضرر همه و مردم است، سخن گفتند و از شبه‌های شلوع اعتراضات، انتشار این گزارشی ویدئویی با واکنش‌های مختلفی در فضای مجازی روبه‌رو

سختی وثیقه‌های سنگین

روزنامه شرق در گزارشی به مشکلات خانوادهای بازداشت‌شدگان برای تأمین وثیقه پرداخته است. در این گزارش آمده سه سال پس از اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ این زندان یک بار دیگر شلوغ‌تر از حالت عادی خون، علاوه بر زنان زندانی عمومی تهران به محل نگهداری بازداشت‌شدگان زن اعتراضات اخیر تهران بدل شده است. تعداد دقیق بازداشت‌شدگان روشن نیست اما قرار بازداشت‌های یک ماهه و بیشتر از یک سو و وثیقه‌های چند میلیاردی از سوی دیگر، امکان برون‌رفت از این فضا را برای بازداشتی‌ها و خانوادهای آنها دشوار کرده است. دخترانی از پاکدشت، قوه، مامازن، حسن‌آباد، ورامین، بهارستان، اسلامشهر و رباط‌کریم که حالا همگی در بند قرظینه زندان زنان قرچک روز و شب می‌گذرانند. «ا» خبرهایی از دخترش شنیده که روایت می‌کند: «خودم که آنجا را ندیده‌ام اما دخترم می‌گوید همه آنها را در بند قرظینه زندان قرچک نگه داشته‌اند... وقتی گفتند وثیقه لازم است، فکر کردم می‌تونم خانه خودمان را بگذارم؛ اما هم خانمان پنج میلیارد نمی‌ارزید و هم اینکه، زیر وام بود. برادرم به کمک ما آمد و سند خانه خودش را داد. این روزها که با دخترم صحبت می‌کنم خیلی از چندهای دیگری که در زندان هستند اصلاً امکان وثیقه ندارند؛ آن هم چندین میلیارد».

خواندنی‌ها

گرا دادن به آمریکا؟

محمد منان رئیس، نماینده قم در اظهارنظری عجیب نوشت: «طبق گزارش FDD، جزیره خارک به‌عنوان تنها مبدأ صادرات نفت ایران، یکی از گزینه‌های محتمل برای حمله آمریکاست. سناریو بدبینانه آن است که ترامپ ابتدا بخواهد با اشغال جزیره خارک، مسیر فروش نفت ایران را ببندد! لذا ایران باید برای همه سناریوها (ازجمله سناریوهای بدبینانه) آماده باشد و در حوزه نفت نیز باید هرچه سریع‌تر، مبدأ دوم فروش نفت ایران از طریق خط لوله گوره به جاسک فعال شود.» وی افزود: «گرچه با وجود حدود ۶۰ میلیون بشکه نفت ایران روی آب در نزدیکی چین، ایران توان فروش به چین تا یک ماه بعد از شروع جنگ را داراست اما باید با تأکید بر تسلط ایران بر تنگه هرمز به وضوح این پیام به آمریکا و کشورهای منطقه صادر شود که در صورت تحقق چنین سناریویی، پاسخ ما محاسبه‌ناپذیر و

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی

صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران

مدیرمسئول: امیر افتناعی ● سردبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)

محمد عطریان‌فر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر افتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده ● عکس: رضا معطریان

ویراستار: سعیده آیین‌فر ● حروف‌چین: سحر خسروچردی

نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۲۲

چاپه امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۲۷۱۶۸ ● توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰

اپوزیسیون تعریف شدند؛ نه کاملاً نماینده خیابان بودند و نه سخننگوی رسمی قدرت. این موقعیت معلق، که شاید زمانی نقطه قوت آنان بود، در شرایط بحرانی به نقطه عفتشان تبدیل شد. جامعه در چنین بزنگاه‌هایی به‌طور طبیعی به‌ذنیال کنشگرانی می‌گردد که تکلیف‌شان با نقش و مسئولیت خود روشن‌تر باشد. درخواست سروش برای پرچم‌داری اعتراض آرام بیش از آنکه نقد اصلاح‌طلبان باشد، یادآور خلایی است که در میدان سیاست احساس می‌شود. پرچم سیاسی، تنها با سابقه و اعتبار بالا نمی‌رود؛ نیازمند اعتماد و پیوند زنده با جامعه است. با این همه، عبور بخشی از جامعه از اصلاح‌طلبان به‌معنای عبور از اصلاح نیست. مطالبه اصلی معترضان همچنان تغییر و اصلاح است؛ اصلاحی که از دل جامعه و با خواست مردم شکل بگیرد.

راه پیش‌روی اصلاح‌طلبان، نه بازگشت به سیاست خیابانی پرهزینه است و نه عقب‌نشینی به سکوت و بیانیه‌های کم‌اثر؛ بلکه بازسازی اعتماد از مسیر گفت‌وگوی صریح با جامعه، پذیرش مسئولیت گذشته و پیگیری مطالبات مشخص مردم است. اصلاح‌طلبان اگر بتوانند دوباره «نمایندگی اجتماعی» را با شفافیت، پاسخگویی و حضور واقعی در کنار مسائل روزمره مردم احیا کنند ممکن است بتوانند، نقش میانجی و اصلاح‌گر خود را احیا کنند.

هدف اولیه جنگ چیست؟

فریدون مجلسی به فرارو گفته استقرار تجهیزات و ادوات نظامی آمریک در منطقه آن هم در مدت زمان کوتاه، نمی‌تواند بدون هدف خاصی صورت گیرد. این رفتار حامل پیام سیاسی است. پیامی که معمولاً یا برای افزایش فشار در میز مذاکره به‌کار می‌رود یا مقدمه‌ای برای اقدام عملی می‌شود. در چنین شرایطی، خطای راهبردی این است که ایران خود را در موقعیت از پیش‌باخته یا ناگزیر از تقابل تصور کند. سیاست عقلانی، نه تسلیم است و نه شتاب‌زدگی در واکنش بلکه تلاش برای کاهش تنش و مدیریت بحران است. به هر ترتیب، جنگ زمینی و دریایی بسیار پیچیده است. اگر جنگی رخ دهد، الگوی دوم جنگ پیشین خواهد بود و بیشتر بر آسمان و حمله هوایی متمرکز است. آمریکا به خوبی می‌داند با شروع حمله باید صابون ضرباتی که از سوی ایران به اسرائیل وارد می‌شود را نیز به تن بهالد. هدف اولیه این جنگ از دید من آسیب زدن به امکانات لجستیک، موشکی و فرماندهی ایران است تا مانع از ضربات ایران به اسرائیل شود. آمریکا تا وقتی که این موضوع را حل کند این جسارت را نخواهند داشت که وارد جزایر سه‌گانه یا تنگه هرمز شود. در نهایت امیدوارم به جای گزینه‌های نظامی، ایران و طرف مقابل، دیپلماسی و برگشت به میز مذاکره را جایگزین تقابل نظامی کنند.

اشغال محدود یک منطقه و ایجاد منطقه پرواز ممنوع. او فشار اقتصادی فلج‌کننده از طریق انسداد صادرات نفت و مسیرهای کشتیرانی، ترکیب این سناریوها با ترور و خرابکاری داخلی و در نهایت سناریوی «شگفتی‌ساز» مبتنی بر فناوری‌های ناشناخته نظامی را نیز محتمل می‌داند. به باور او، جز فشار روانی، سایر گزینه‌ها برای آمریکا پریسک است؛ زیرا واکنش ایران قابل پیش‌بینی نیست و ساختار نظامی کشور بر مقاومت و پاسخ نامتقارن بنا شده است. صفوی در پایان هشدار می‌دهد که هم‌زمانی بحران‌های داخلی با تهدیدهای خارجی، ایران را در موقعیتی حساس قرار داده و تنها انسجام ملی می‌تواند هزینه چنین سناریوهایی را برای آمریکا و اسرائیل افزایش دهد

شد. به‌خصوص از جانب سلطنت‌طلبان و حامیان حمله ترامپ به ایران. برخی به گزارشگر سی‌ان‌ان تاختند و گزارش او را رپرتر آگهی از دیوارنگاره ولیعصر است که شعار «آنکه باد می‌کارد، توفان درو می‌کند» بر آن خودنمایی می‌کند. برخی دیگر نیز نوشتند که چرا سی‌ان‌ان به قطعی اینترنت و مسائل این‌چنینی اشاره نکرده است؟

اموال هنرمندان را منتهی دانستند. تا امروز نیز به هیچ‌یک از سینماگران و هنرمندان، ابلاغ قضایی برای مصادره اموال صورت نگرفته است. آنچه به‌صورت تلفنی و غیرمستند به هنرمندان گفته شود، جنبه حقوقی و رسمی ندارد.

حمله به ایران اشتباه است

هاکان فیدان گفته حمله به ایران اشتباه است، شروع دوباره جنگ اشتباه است. ایران آماده است دوباره درباره پرونده هسته‌ای مذاکره کند. نصیحت من به دوستان آمریکایی: پرونده‌ها را یکی‌یکی با ایرانی‌ها ببندید. وزیر امور خارجه، ترکیه، هاکان فیدان گفته حمله به ایران اشتباه است، شروع دوباره جنگ اشتباه است. ایران آماده است دوباره درباره پرونده هسته‌ای مذاکره کند. نصیحت من به دوستان آمریکایی این است که پرونده‌ها را یکی‌یکی با ایرانی‌ها ببندید. با پرونده هسته‌ای

شروع کنید، آن را ببندید و آن را به‌صورت یک بسته نگیرید.

تلفن‌های دیپلماتیک قطر

محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر، این روزها حساسی مشغول است شب با سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه ایران تماس می‌گیرد و روز با علی لاریجانی گپ می‌زند. موضوع؟ اعلام نمی‌شود. ولی آنچه خبری می‌شود همان «تحولات منطقه» و «ارح‌ل‌های دیپلماتیک» که همیشه پای ثابت این مکالمات است. این دومین بار در دو هفته اخیر است که آل‌ثانی با لاریجانی تماس می‌گیرد. لاریجانی هم البته در همین مدت با مشاوران امنیت ملی عراق و سوئیس تلفنی صحبت کرده است. عراقچی و همتای قطری هم دیشب بر «لزم ادامه تلاش‌های دیپلماتیک، تأکید کردند؛ جمله‌ای که بیشتر شبیه شعار هیشگی جلسات منطقه‌ای است.